ماهنامه مدارس مسجد محور
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱
صاحب امتیاز: ستاد مردمی مدارس مسجد محور
مدیر مسئول و سردبیر: محمد پیرهادی
با نظارت ستاد مردمی مدارس مسجد محور

هیات تحریریه: محمد پیرهادی، محمد اربابی، مهدی شادمانی

صفحه آرا:
ویراستار: مهدی رضایی
طراح جلد: مهدی رحیمی
عکس: محمدحسین عبداللهی

تارنما: www.setad.org
شماره تماس: ۰۹۲۲۷۴۸۲۰۳۹ - ۰۲۵۳۷۸۳۵۱۲۲
آدرس: قم، خیابان صفائیه، کوچه ۲۱ پلاک ۱۰
چاپخانه: انتشارات حکیم روز

سخن سردبیر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

« وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحزَنوا وَ اَنتُمُ الاَعلَونَ اِن کُنتُم مُؤمِنین. » (سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۳۹)

« و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. »

شرط بقا و ادامه حرکت در هر جمعی از مومنان، ناامید نشدن و سستی نکردن در راه اهداف است. متولیان امر تعلیم و تربیت در عصر حاضر، هرچه می توانند باید در مسیر حرکت خود با عزمی راسخ تر و جمعیتی پویاتر و محکم تر حرکت کنند. مدارس مسجد محور با روحیه جهادی و همتی بی نظیر در سال های اخیر، خط شکنان امر تعلیم و تربیت در کشور بوده اند و به امید خدا سنگرهای تربیت دینی را یکی پس از دیگری با همکاری یکدیگر فتح خواهند کرد.

مشارکت در امور جهادی، حل پرونده های قضایی محلات، تهیهه جهیزیه، کمک به اشتغال خانواده ها، آموزش رایگان و یا کم هزینه، تعلیم و تربیت در کنار هم و تربیت انسان های فهیم، بصیر و انقلابی گوشه ای از فعالیت های مدارس مسجدمحور در دهه اخیر بوده است.

تعلیم و تربیت نیروی انسانی در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، شاید بتوان گفت مهم ترین وظیفه ای است که بر دوش دغدغه مندان و فعالین انقلابی گذاشته شده و با به حرکت درآمدن قطار مدارس مسجدمحور، این وظیفه به خوبی و با کیفیتی بی نظیر در حال انجام است.

استاد صفایی حائری: علی (ع) که روی زمین کار می‌کرد، به این خاطر بود که او را از کارکردن روی استعدادها محروم کرده بودند وگرنه او هرگز آدم‌ها را رها نمی‌کرد. (کتاب مشهور آسمان، نوشته عزیزالله حیدری)

فتنه اخیر به خوبی نشان داد که مسجد و تعلیم و تربیت در آن، چقدر می تواند در شخصیت دانش آموزان موثر باشد. میدان داری برخی از دانش آموزان، معلمان و مدارس در فتنه اخیر، و همچنین نقش پررنگ مدارس و دانش آموزان مسجدمحور در خنثی سازی فعالیت های فتنه انگیز، نمایانگر تاثیر مدارس مسجدمحور در تعلیم و تربیت فرزندان ایران اسلامی است.

امید است که با همت هرچه بیشتر و انگیزه های پاک دست اندرکاران مدارس مسجدمحور، این جریان اصیل و انقلابی بتواند قدم های موثری در راه ظهور حضرت حجت (عج) برداشته و موانع ظهور حضرتش را برطرف سازد.

والعاقبه للمتقین

ستاد مرکزی مدارس مسجدمحور

جلسه اقتصادی مدیران مدارس مسجدمحور قم (کنکاش در الگوهای اقتصادی)

یکی از اصول و مبانی مهمی که در هر فعالیت جریانی و هماهنگ باید مورد توجه قرار بگیرد، استفاده از الگوهای موفق و تجارب عملیاتی شده در گروه‌های همسو است. مباحث و الگوهای مالی در مدارس مسجد محور، همواره بدلیل مستقل بودن این مدارس از بودجه نهادهای دولتی، دچار چالش‌های متعدد بوده است.

به پیشنهاد مدیران محترم مدارس مسجدمحور استان قم در ضیافت ماه رمضان، مقرر شد تا جلساتی پیرامون همگرایی و استفاده از الگوهای مالی مطلوب مدارس، توسط ستاد مرکزی ترتیب داده شود. اولین جلسه از این سلسله جلسات، به‌تاریخ ۱۴۰۱/۳/۳۱ در ساختمان مرکزی خاتم قم برگزار شد. در این جلسه که سه‌ساعت به طول انجامید، مدیران حاضر در جلسه به بیان الگوهای مدارس خود و ارائه پیشنهادات در مباحث مالی پرداختند. در این مجال، اشاره‌ای مختصر به محتوای پیشنهادات ارائه شده این جلسه خواهیم داشت.

جناب آقای مهدی شادمانی، معاونت عملیات ستاد مرکزی:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. بسیار خشنود و مسروریم از حضور دوستان عزیز و فعالین مدارس مسجد محور، امیدواریم که این جلسات همفکری و تجربه محور ادامه داشته باشد و در سایه این جلسات، برکاتی نیز نصیب جریان مدارس مسجدمحور کشور بشود. ما در ستاد مرکزی آمادگی لازم را داریم تا از همه پیشنهادات و ظرفیت‌های دوستان در مدارس استفاده کرده و تجربیات آن‌ها را در امور مختلف بکار بگیریم.

1. دکتر حسینعلی دیلم، دبیر ستاد مرکزی:

ضمن خوش‌آمدگویی خدمت مدیران و دست‌اندرکاران مدارس مسجدمحور، امیدواریم که این جلسات از این به بعد بصورت مستمر انجام بگیرد و نتایج مثبت آن در جریان کلی مدارس ما، نمود پیدا کند. برای اینکه دوستان، همگی در بحث شرکت کنند، بنده جلسه را با عنوان کردن یک پیشنهاد شخصی در بحث مالی مدارس، آغاز می‌کنم.

در بحث چرخه اقتصادی مدارس، می‌توانیم زمانی را در مدارس عادی برای آموزش دروس تخصصی اختصاص دهیم و علومی مانند طب و رباتیک و نانو و ... را نیز در برنامه آموزشی مدرسه بگنجانیم تا از یک مرحله‌ای به بعد، از این راه بتوانیم به طرق مختلف کسب درآمد داشته باشیم.

2. آقای محمدی، مدیر هنرکده انقلاب:

با توجه به وضعیت اقتصادی حاکم بر مدارس، پیشنهاد حقیر آن است که استفاده از خیرین دغدغه‌مند، بهترین راه درآمدی و اقتصادی برای مدارس می‌باشد. همچنین برای مثال، ما در هنرکده با پروژه گرفتن برای دانش‌آموزان، قسمت بزرگی از مشکلات اقتصادی را حل کرده‌ایم. به‌نظر بنده اگر بتوانیم در کنار فعالیت‌های خود، انجام فعالیت‌های تخصصی را نیز وارد کنیم، می‌تواند در امور اقتصادی کمک بزرگی باشد.

3. حجت‌الإسلام والمسلمین آقای علیزاده، مدیر مدرسه بندگی:

ما در شعبه اصفهان مدرسه بندگی، با راه‌اندازی یک بوفه مواد غذایی، بخش کوچکی از مشکلات اقتصادی را حل کرده‌ایم. همچنین با راه‌اندازی یک بابمغازه به نام طیبات و تخصیص امتیاز شهریه به دانش‌آموزان بابت خرید از آن، توانسته‌ایم قدمی در راه حل مشکلات برداریم. اگر بتوانیم با توجه به اهمیت فضای مجازی افرادی را برای آن، تربیت کرده و پرورش دهیم می‌توانیم از این راه نیز کسب درآمد کنیم.

4. جناب آقای ملک‌احمدی، مدیر مدرسه الغدیر:

مدرسه ما از راه شهریه کسب درآمد دارد. حدود پنج میلیون از دانش‌آموزان در سال به عنوان شهریه می‌گیریم. در زمان‌هایی هم که نیاز به مبالغی افزون بر شهریه باشد، از خیرین استفاده می‌کنیم.

5. حجت‌الإسلام والمسلمین آقای اسدنژاد، مدیر نهضت تربیتی سیدالشهدا (ع):

ما ابتدا در نهضت، فضای ایمانی طراحی کردیم. چند دسته والدین داریم یک دسته واقعاً توانایی ندارند، یک دسته به اندازه سرانه دانش آموز خودشان پرداخت می‌کنند و یک دسته هم بیشتر از سرانه خودشان می‌دادند. یک خیر هم برای نهضت داشتیم. الآن از طریق قرارداد با یک فروشگاه با همکاری والدین، مخارج تأمین می‌شود؛ البته بدون دخالت مستقیم مدرسه. یکی دیگر از راه‌ها دریافت پسماند از والدین و بازیافت و کسب درآمد از آن است. یکی دیگر از راه‌ها گرفتن عبادت استیجاری برای والدین است. گاهی از وجوهات شرعی هم برای هزینه‌ها استفاده می‌کنیم. برای بچه‌های بالای ۹ سال طرحی داریم که از طریق کار در منزل خودشان درآمد دارند و حتی بعضاً که والدین کمک هم می‌کنند.

6. حجت‌الإسلام والمسلمین آقای رحیمی، مدیر مدرسه مسجدمحور:

اعتقاد به کار اقتصادی در کنار کار تربیتی داریم اما به صورت غیر مستقیم و بدون دخالت مستقیم عوامل مدرسه. طرح‌هایی از جمله نذر فرهنگی و جمع آوری پسماند داریم که چون هنوز به قوت انجام نگرفته از توضیح آن‌ها معاف هستم.

۷. جناب آقای مولوی، مدیر مدرسه مسجد جهارده معصوم (ع):

در گذشته روی بچه‌ها نظارت می‌کردیم که بیرون کار کنند و بخشی از حقوق خودشان را برای مدرسه بیاورند که آفت‌هایی داشت و باعث شد که

طرح متوقف شود. برندی را به نام «ازکی» ساختم برای فروش محصولات خود خانواده‌ها که نتیجه خوبی هم از آن دریافت نکردیم؛ مثلاً برخی از خانواده‌ها همراهی نمی‌کردند. الآن می‌خواهیم یک مسجد مدرسه بسازیم و الگوهای مسجد تراز را در آن پیاده کنیم. از خیّرین و اجازه وجوهات هم استفاده می‌شود که این بحث مشکل اقتصادی را به صورت طولانی مدت برطرف نمی‌کند. تعامل با دفاتر بیمه یا تأسیس یک دفتر بیمه کلی برای ستاد مرکزی نیز، می‌تواند سود قابل توجهی را به مدارس تخصیص دهد.

۸. حجت‌الإسلام والمسلمین آقای ربیعی، مدیر پیش دبستانی سفیر نور:

ما باید یک شهریه ثابت داشته باشیم که بتوانیم فعالیت‌های خود را بصورت مستمر ادامه دهیم. در نظر داریم که از امسال با شهریه ثابت مجموعه را اداره کنیم.

پیشنهادات دیگر:

9. تعیین حداقل و حداکثر شهریه از طرف ستاد، پیشنهادی آقای اسدنژاد برای سال آینده بود که مورد استقبال مدیران قرار گرفت. وضعیت ناپایدار اقتصادی و عدم وجود بودجه خاص برای مدارس، عمده دلیل این پیشنهاد برای سال جدید بود.

۱۰. ایجاد یک فروشگاه بزرگ مجازی و اختصاص کدهای خاص برای دانش‌آموزان، ایجاد زیرساخت برای جمع آوری و بهینه‌سازی ضایعات، ایجاد کارگاه‌های خانگی و ... پیشنهادهای دیگر دوستان بود.

این جلسه با همکاری مدیران مدارس مسجدمحور و با هدف تدوین الگوهای مختلف مالی در جهت بهره برداری مدارس ادامه دار خواهد بود.

مدرسه در خانه – بخش اول

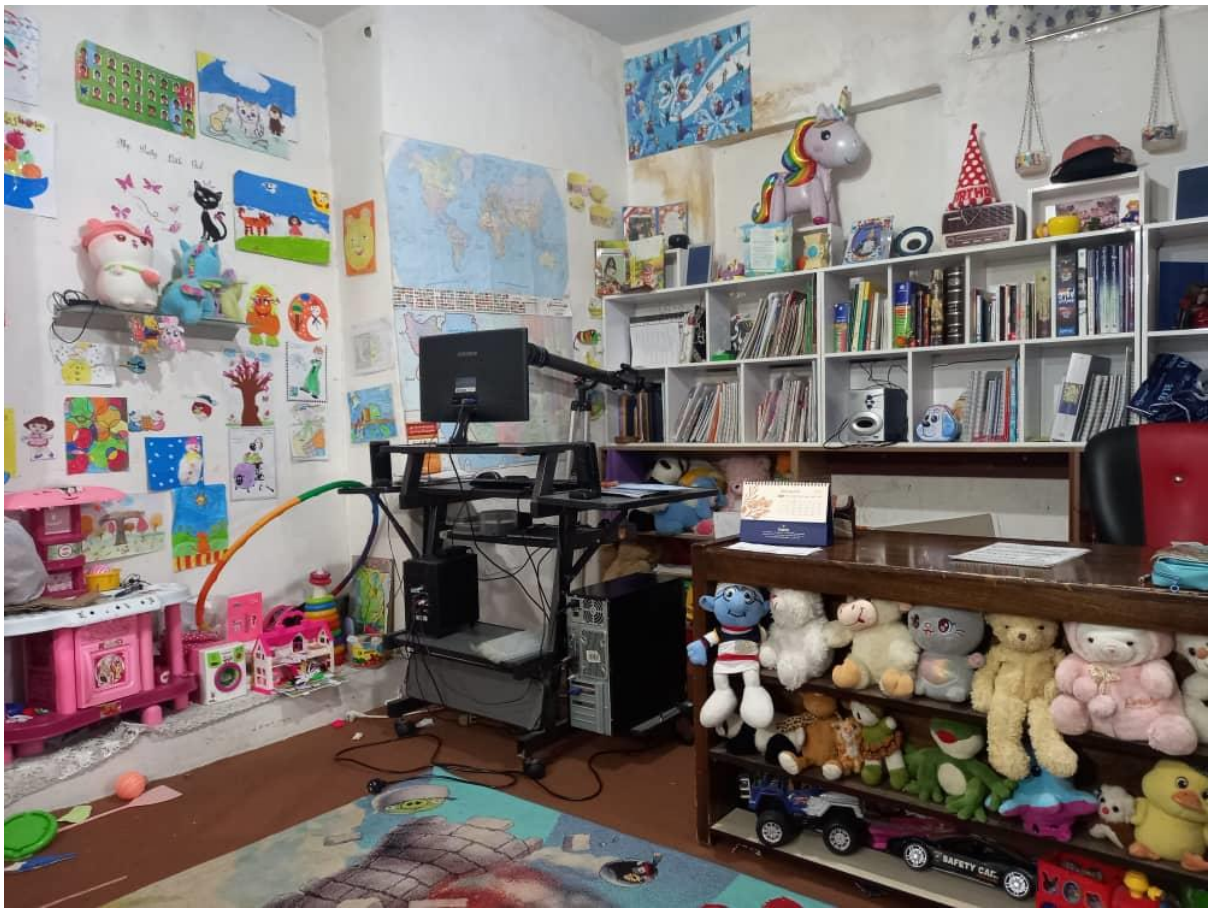

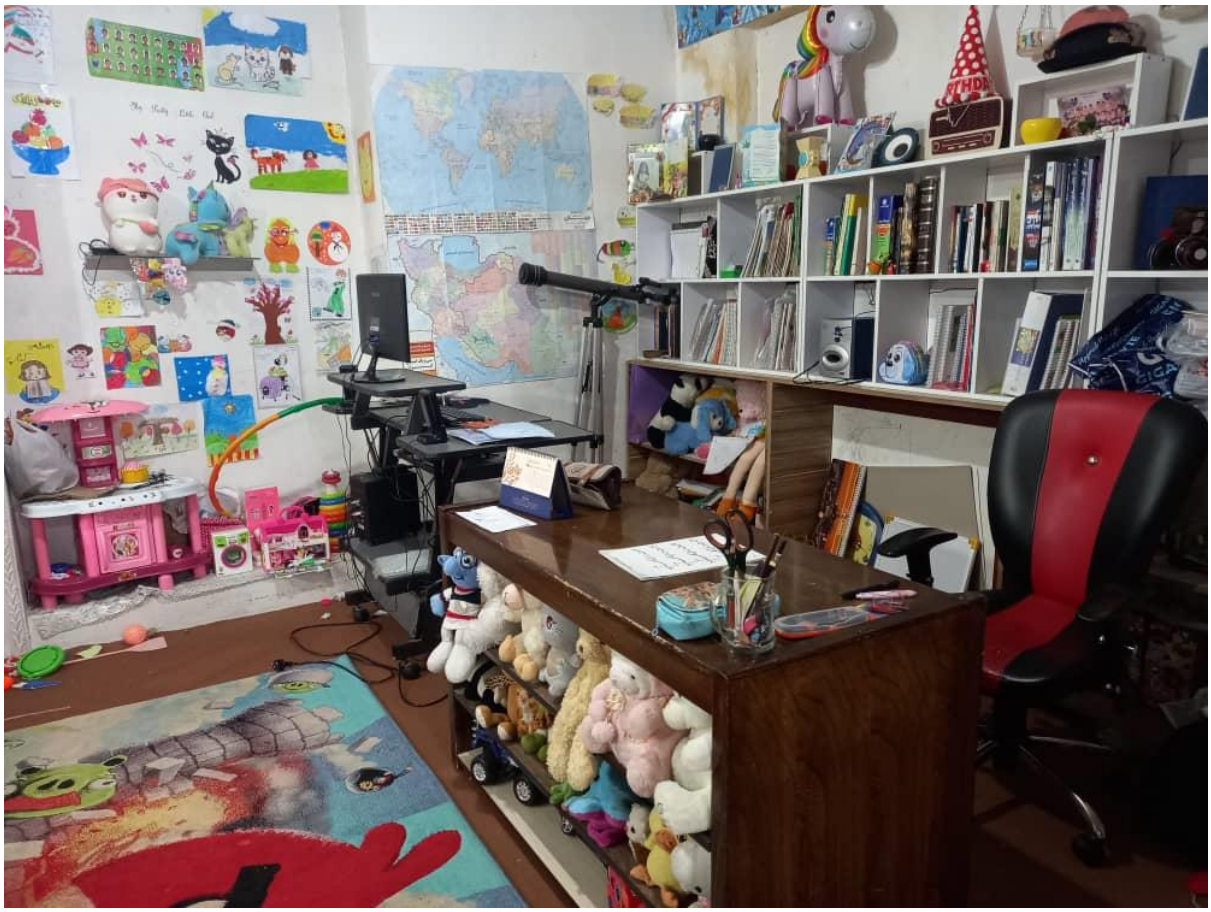

در میان رویکردهای مختلف تعلیم‌وتربیت در سراسر جهان یکی از مدل‌هایی که امروزه در سطح جهانی رو به گسترش است، آموزش در خانه یا همان home school است که در سال‌های اخیر به شکل بی‌سابقه‌ای در سراسر جهان رونق گرفته است.

واژه آموزش در خانه به آن رویکرد آموزشی اشاره دارد که والدین فرزندان خود را به دلایل گوناگونی که به آن‌ها خواهیم پرداخت، در خانه آموزش می‌دهند و برنامه درسی توسط والدین مشخص و اجرایی می‌شود. در این روش آموزشی، والدین و یا معلمان الزاماً از برنامه درسی مدارس پیروی نمی‌کنند؛ البته استفاده از امکانات موجود در اجتماع از قبیل کتابخانه، سالن‌های ورزشی، مراکز مذهبی و گردش در طبیعت از الزامات این رویکرد است که با اهداف خاصی چون تربیت کودک در محیط واقعی، تربیت اجتماعی و کاهش چشمگیر هزینه‌های آموزش اجرایی می‌شود.

صاحبنظران تعلیم‌وتربیت در این حوزه معتقدند آموزش در خانه، قدیمی‌ترین نوع آموزش است و جوامع در سرتاسر تاریخ به آموزش در خانه می‌پرداختند، به این استدلال که اولین و با اصالت‌ترین نهاد آموزشی، خانواده است و اولین معلمان تاریخ نیز پدر و مادر بشر هستند که از ابتدا سیر تربیت و رشد را برای فرزند مشخص می‌کنند. به گواه آمار، این شیوه آموزشی در سال‌های اخیر در میان کشورهای صنعتی روزبه‌روز در حال گسترش است. از دلایل مهمی که سبب شده تا کشورهای پیشرفته و صنعتی انحصار آموزشی را بشکنند و آن را به

رسمیت بشناسند، کاهش چشمگیر هزینه‌های دولت‌هاست؛ بدین صورت که تمام هزینه‌هایی که دولت برای یک دانش‌آموز در سال به‌عنوان سرانه آموزشی در نظر می‌گیرد حذف شده و به خزانه دولت باز می‌گردد.

جنبش نوین آموزش در خانه سال ۱۹۷۰ در آمریکای شمالی شروع شد و با سرعتی باورنکردنی شیوع پیدا کرد. در سال ۱۹۸۵، ۱۶ درصد از خانواده‌ها، به آموزش در خانه تمایل داشتند ولی در سال ۱۹۸۸ یعنی فقط در فاصله سه سال، به ۲۸ درصد افزایش یافت. مطابق گزارش مؤسسه ملّی تحقیقات درباره آموزش در خانه، در حال حاضر حدود ۲/۴ میلیون نفر در آمریکا در خانه آموزش می‌بینند. این رقم هرسال بین ۲ تا ۶ درصد افزایش می‌یابد.

برخی پژوهشگران ۵ مرحله را برای نهضت آموزش در خانه، در آغاز راه آن در هر کشوری توصیف می‌کنند:

۱. **دوره ستیزه:** ناخرسندی از وضعیت آموزش عمومی

۲. **دوره مقابله:** مواجهه میان خانواده‌هایی که ترجیحشان آموزش در خانه بوده، با مدارس و مقامات رسمی دستگاه تعلیم‌وتربیت عمومی

۳. **دوره تشریک‌مساعی:** نتیجه دعاوی حقوقی و مناقشات خانواده‌ها و ادارات آموزش‌وپرورش، اغلب منجر به رأی به نفع خانواده‌ها شد! حتی در پاره‌ای موارد، مدارس، امکانات خود مانند کتابخانه، لوازم آزمایشگاه، رایانه، رده‌های فوق‌برنامه و امثال این‌ها را در اختیار خانواده‌ها قرار دادند.

۴. **دوره تحکیم:** در این مرحله خانواده‌هایی که به‌نوعی در جامعه از بابت انتخاب خود در آموزش فرزندان، طرد شده بودند بر اساس علائق مشترک مانند علائق اعتقادی، مالی و اجتماعی به ایجاد شبکه میان خانواده‌ها اقدام کردند. بخصوص خانواده‌هایی که مسیحی و مذهبی بودند و تعلق به کلیسای مشترکی داشتند.

۵. **دوره انشقاق:** با افزایش شمار خانواده‌های معتقد به آموزش در خانه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به‌تدریج تفاوت انگیزه‌ها و عقاید آن‌ها درباره آموزش در خانه آشکار شد و گونه‌های مختلف این مدارس نیز در جامعه پدیدار شد.

در اروپا و کشورهای پیشرفته مانند انگلستان نیز، حدود یک درصد از دانش‌آموزان از این نظام استفاده می‌کنند و این رویکرد را جایگزین آموزش سنتی قرار داده‌اند.

در سوئد نیز قانون آموزش در مدرسه اجباری نیست ولی دولت به آموزش در خانه نظارت دارد. حدود ۱۲۰۰۰۰ دانش‌آموز در کشور سوئد، در مدارسی تحت عنوان مدارس متوسطه مردمی مشغول به تحصیل هستند.

در آلمان آموزش در خانه با قوانین این کشور در تعارض است و برای متخلفین مجازات سنگین در نظر گرفته شده است، اما با این‌حال نهضت مدرسه در خانه رو به افزایش است.

در سایر کشورها از جمله فرانسه، روسیه، نروژ، سنگاپور، ایتالیا، پرتغال و دانمارک و ... تعداد خانواده‌هایی که به این روش روی آورده‌اند رو به افزایش است و نظام آموزشی مدرسه در خانه هرروزه در حال فراگیر شدن است.

در ایران بحث آموزش در خانه تاکنون به‌صورت جدی در محافل علمی و رسمی مطرح نشده است، شاید یکی از مهم‌ترین دلایل اینکه نظام آموزشی مدرسه در خانه در کشور ایران همانند کشورهای دیگر فراگیر نشده است، انحصاری بودن نظام آموزشی و اجباری بودن شرکت در نظام آموزشی دولتی است. مشکلات عدیده‌ای در نظام آموزشی ایران وجود دارد که به نارضایتی والدین از مدرسه و آموزش کودکان در خانه منجر شده است. برخی به‌صورت کلی آموزش فرزندان خود را به محیط خانه انتقال داده‌اند و برخی این رویکرد را نه به‌عنوان جایگزین مدرسه، بلکه به‌عنوان مکمل آموزش‌های مدرسه استفاده می‌کنند تا بتوانند کم و کاستی‌های مدرسه را به‌نوعی در خانه جبران نمایند. البته علت گرایش برخی علاوه بر نارضایتی از نظام تعلیم‌وتربیت، مزایای مدرسه در خانه و محبوبیت این روش است. از طرفی والدین کودکان مدرسه در خانه را بهترین فرصت برای رفع مشکلات درسی، اخلاقی، دینی و اجتماعی کودکان خود می‌دانند.

دانش‌آموزانی که دارای بیماری و مشکلات جسمی هستند به علت نیاز به مراقبت‌های ویژه، مصرف دارو و... امکان حضور منظم در مدرسه را ندارند یا دانش‌آموزانی که از نظر بهره هوشی در مرتبه‌های بالایی قرار دارند، به علت سرعت یادگیری بالا احتیاج به برنامه‌های خاص خود را دارند که این برنامه‌های هیچ جایی در نظام کنونی نداشته و همه‌دانش‌آموزان به یکشکل از سفره تعلیم‌وتربیت مدرسه بهره می‌برند.

دلایل گرایش اولیا به این رویکرد، به دودسته کلی پداگوژی و ایدئولوژیک قابل تقسیم است.

خانواده‌هایی که دلیل پداگوژی دارند؛ یعنی در واقع از ساختار آموزشی رضایت کافی ندارند و عواملی چون انتخاب آزادانه برنامه درسی، تعمیق یادگیری، تنظیم سرعت آموزش با شرایط یادگیرنده، عدم رقابت سالم و ... ازاین‌قبیل هستند.

و خانواده‌های ایدئولوژیک که به دلایل ارزشی از قبیل اعتقادات خاص سیاسی، مذهبی، اجتماعی و... این روش خاص آموزشی را انتخاب می‌کنند.

به‌صورت کلی باتوجه به پژوهش‌ها و مصاحبه‌های انجام شده در تحقیقات داخلی و خارجی مهم‌ترین علت گرایش و مزایای این رویکرد و تهدیدهای آن در جدول زیر قابل‌مشاهده است:

دراین‌بین، کشورهای پیشرو در صنعت آموزشی علاوه بر عمومی و مردمی‌کردن آموزش در کشورهای خود، مدارسی را تحت عنوان مدارس بین‌المللی راه‌اندازی کردند، مدارسی همچون آکادمی خان، بنیاد معارف کشور ترکیه، والدورف، آفاق و ... که تأسیس نظام‌های آموزشی

این‌چنین، به‌خوبی اهمیت وجود نظام آموزشی استاندارد را نشان می‌دهد. نظامی که علاوه بر درون مرزها، امکان صدور آن به هر نقطه از جهان وجود داشته باشد.

این مطالب مقدمه‌ای بر مبحث مهم مدرسه در خانه بود که از این شماره، به عنوان مطلب ثابت در ماهنامه مدارس مردمی دنبال خواهد شد.

آشنایی با نظام های آموزشی بین المللی – بخش اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ضرورت تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور و نیاز به مطالعه نظام تعلیم و تربیت کشورهای مختلف و تجزیه و تحلیل آن‌ها، بر کسی پوشیده نیست. به شرط آن که بعد از بررسی نظامات مختلف، با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی سنجیده و بومی سازی شود. ماهنامه مدارس مردمی در نظر دارد از این پس، اقدام به بررسی نظامات آموزشی کشورهای گوناگون نموده و نتیجه آن را در بخش معرفی نظام آموزشی به سمع و نظر مخاطبان گرامی برساند. بدیهی است ماهنامه مدارس مردمی، در مقام تأیید هیچ یک از آن‌ها نبوده و بررسی دقیق آن‌ها و اظهار نظر کارشناسی پیرامون مبانی آموزشی مختلف، مجال دیگری می‌طلبد.

مدیریت آموزش و پرورش در فنلاند

قانون اساسی فنلاند (مصوب سال ۱۹۱۹) تصریح می‌کند که آموزش اجباری همگانی و مدرسه عمومی رایگان باید درقوانین منظور شود. این قانون

همچنین دولت را موظف می‌کند که مخارج آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش همگانی، آموزش عالی در هنرهای کاربردی، علوم وآموزش دانشگاهی را تقبل نموده و یا به آن یارانه بپردازد. قانون اساسی همچنان تصریح می‌کند که حق تأسیس مدارس خصوصی ودارالتأدیب‌ها باید در قانون منظور شود و این که بخش خصوصی نباید تحت نظارت مقامات مسئول باشد.

کشور فنلاند، از نظر آموزش و پرورش یکی از پیشرفته‌ترین کشورها به شمار می‌رود. به طوری که از لحاظ میزان باسوادی (سواد خواندن و نوشتن) بالاترین آمار انتشار یافته برای کشور فنلاند حدود ۱۰۰ رتبه ۱ را به دست (HDI) درصد را نشان می‌دهد. این کشور در بخش آموزش گزارش توسعه انسانی آورده است و همچنین در بخش توسعه انسانی به‌طور کلی رتبه این کشور ۲۲ می‌باشد (جام جم، ۲۳ بهمن. ۱۳۹۱)

اهداف و اولویت‌های آموزش و پرورش فنلاند

هدف اصلی آموزش و پرورش فنلاند ارتقای سطح آموزش و ارائه فرصت‌های آموزشی برابر به همه شهروندان صرف نظر از موقعیت اجتماعی، موقعیت اقتصادی، زبان و جنسیت آن‌ها است. از جمله مهم‌ترین اهداف آموزشی کشور فنلاند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- پرورش فردی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه، کار، انتخاب شغل، ادامه تحصیل

- حفاظت از طبیعت و محیط زیست، حفاظت از فرهنگ و ارزش‌های ملی
- مواجهه با تغییرات بین‌المللی و ارتقای صلح و تفاهم

علاوه براین، سیستم آموزشی فنلاند در دراز مدت وظایف زیر را بر عهده دارد:

1. بالابردن آموزش و ترفیع کیفیت آموزشی. در این راستا، کوشش‌هایی درجهت تأمین نیازمندی‌های آموزشی کلیه گروه‌های مردمی و نواحی کشور با فرصت‌های آموزشی مساوی به عمل آمده است.
2. بزرگترین هدف آموزشی کشور در ساختار آموزشی، پایه گذاری مراکز پلی تکنیک می‌باشد. پلی تکنیک‌ها به تدریج طی سال ۱۹۹۰ به‌وجود آمده اند.
3. ارتقاء استاندارد آموزشی حرفه‌ای. پلی تکنیک‌ها به عنوان بخشی از آموزش عالی ملی و بین‌المللی

   جامعه با تأکید ویژه بر کسب تجربه در زندگی کاری گسترش می‌یابند.
4. برگزاری آزمون‌های سازماندهی شده. تحت این آزمون‌ها دانشجویان می‌توانند صلاحیت ترکیب تحصیلات حرفه‌ای و تکمیلی متوسطه را کسب کنند.

توسعه آموزش از اواخر دهه ۱۹۹۰ بر محورهای زیر متمرکز شده است:

- اصل یادگیری در طول زندگی (مادام العمر)
- پاسخگویی به تغییرات در محل کار
- بین‌المللی شدن حوزه آموزش
- ارائه زبانهای گوناگون بیشتر در همه سطوح آموزش
- استفاده از راهبرد اطلاعاتی برای آموزش و پژوهش
- شناخت توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف کلیدی و به‌کارگیری آن در عمل
- اصلاح مهارت‌های علوم و ریاضی
- تأکید بر رسالت فرهنگی مدارس
- تقویت ارزشیابی به عنوان بخش تفکیکناپذیر در توسعه و پیشبرد سیاست‌ها

ساختار اداری آموزش و پرورش

الف- نظام مدیریتی

نظام آموزشی سابقاً متمرکز بوده و به‌وسیله دولت به‌صورت دقیق کنترل و هدایت می‌شد. ازدهه ۱۹۸۰، با اعمال سیاست تمرکززدایی در حوزه مدیریت آموزشی، قوانین آموزشی اصلاح شده و اختیار و قدرت تصمیم

گیری شهرداری‌ها و مؤسسات آموزشی به‌طور فراگیر افزایش یافت. در اواخر ۱۹۹۰، قانون وضع شده در مورد آموزش مجدداً اصلاح شد که به موجب آن، اختیارات و مسئولیت‌های بیشتری در سطح بومی به مسئولین محلی واگذار گردید و به میزان بیشتری به نیازهای دانش‌آموزان و دانشجویان توجه شده و حق انتخاب گسترده‌تری در زمینه مطالعاتشان برای آن‌ها فراهم گردید. علاوه براین، مسئولیت روند تدریس محتوای آموزشی و انتخاب مواد درسی به سطح بومی منتقل شده است. در این اثنا، روند هدایتی و نظارتی مدیریت آموزشی شهرداری‌ها از طریق یارانه دولتی کاهش یافت. مسئولیت تعیین محتوای آموزشی و انتخاب مواد درسی نیز به نهادهای بومی آموزشی تفویض گردید.

همچنین، در راستای تمرکززدایی، بخش‌های بازرسی دولتی که نقش ارزیابی و سنجش سیستم آموزشی را ایفا می‌کردند، حذف شدند و وظایف ارزیابی به متصدیان آموزشی و مسئولان مربوطه محول شده است.

ب- سطوح مدیریت در آموزش و پرورش فنلاند

بالاترین سطح مدیریت در آموزش و پرورش فنلاند وزارت آموزش و پرورش این کشور است. در دومین سطح شورای ملی آموزش و شوراهای منطقه‌ای قرار دارند که حوزه اختیارات آن‌ها در سطح استان‌ها است. در سطح سوم مدیریت هیئت‌های مدرسه هستند که هرشهر حداقل دارای یک هیئت مدرسه است و بالاخره در آخرین سطح هیئت مدیره مدارس قرار دارد که از معلمان، کارکنان آموزش‌وپرورش، والدین و دانش‌آموزان تشکیل شده است. هیئت امنای مدارس با هماهنگی هیئت مدرسه که در سطح هر شهر فعالیت دارد، اداره امور مدارس را بر عهده دارند. در این بخش نهادهای مسئول یا دخیل در آموزش و پرورش فنلاند معرفی می‌گردند.

ج- نهادهای مرکزی

۱. نهاد قانون‌گذار در حوزه آموزش و پرورش- مجلس فنلاند که به وضع قوانین آموزشی و تصمیم گیری درخصوص اتخاذ اصول کلی سیاست آموزشی مبادرت می‌نماید. به‌عبارت دیگر، چارچوب قانونی و اصول کلی سیاست آموزشی توسط پارلمان تصویب می‌شود و دولت، وزارت آموزش و شورای ملی آموزش مسئول اجرای این سیاست‌ها در سطح سرپرستی مرکزی می‌باشند.

۲. وزارت آموزش-عالی‌ترین مقام آموزشی در فنلاند وزارت آموزش است که عهده دار مسئولیت نظارت، برنامه‌ریزی وگسترش کلی آموزش و تحقیق در بخش دانشگاهی کشور است. تقریباً تمامی آموزش همگانی یارانه‌ای زیر نظر این وزارتخانه می‌باشد.

تقریباً تمام مؤسسات آموزش و پرورش، متکی بر بودجه دولتی و تحت سرپرستی وزارت آموزش‌وپرورش هستند. ادارات استانی و بخش‌های مربوط به مدارس تحت پوشش، مسئول مدیریت منطقه‌ای آموزش‌و پرورش می‌باشند، شهرداری‌ها و مؤسسات آموزشی، اجرای آموزش و پرورش محلی را برعهده

دارند. بخش اعظم مدارس جامع و متوسطه توسط شهرداری‌ها اداره می‌شوند و بقیه که خصوصی هستند به وسیله دولت هدایت می‌گردند.

مهم‌ترین بخش‌های آموزشی که خارج از حوزه وزارت آموزش قرار می‌گیرند عبارتند از مهدکودک‌ها (وزارت بهداشت و امور اجتماعی)، آموزش نظامی (وزارت دفاع) وآموزش پلیس و مرزبانی وآتش نشانی (وزارت کشور). استان‌ها و شهرها نیز در این خصوص مسئولیت‌های چندی برعهده دارند.

وزارت آموزش لوایح آموزشی را آماده نموده وتصمیمات مقتضی را برای تقدیم به هیئت دولت اتخاذ می‌نماید. حوزه کاری وزارت آموزش عبارت است از: مدارس جامع، دبیرستان‌های عالی، مدارس فنی حرفه‌ای و مدارس عالی و دانشگاه‌ها. این وزارت مسئول فرهنگ، کلیسا، جوانان و امور ورزشی نیز هست؛ بنابراین، وزارت آموزش دو وزیر دارد: وزیر آموزش که مسئول آموزش وعلوم است و وزیر فرهنگ که مسئول فرهنگ، کلیسا وجوانان و امور ورزش است. وزارت آموزش از بخش‌های سیاست علمی و آموزشی، فرهنگی و عملیات ستادی و سرپرستی تشکیل می‌گردد.

هدایت ملی نظام آموزشی از نظر احداث دبیرستان‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مقیاس‌بندی آموزش فنی و حرفه‌ای (سهمیه بندی برای بخش‌ها و مناطق مختلف) دراختیار دولت و وزرات آموزش می‌باشد.

مؤسسات آموزشی عمداً به سوی اهداف مورد نظر قانون و راهبردهای ملی طراحی برنامه درسی سوق داده می‌شوند. بازخوردها در باره کارایی نظام آموزشی از طریق آمار و ارزیابی هدفمند گردآوری می‌شود. این اطلاعات به خودی خود اثری هدایتی بر تدریس دارد.

۳. شورای ملی آموزش – این شورا به‌عنوان شورای مشورتی وزارت آموزش ایفای نقش می‌نماید. این هیئت عهده دار مسئولیت گسترش آموزش ابتدایی، متوسطه و به ویژه آموزش بزرگسالان است. علاوه بر این، تنظیم و تصویب دستورالعمل‌های ملی درجهت طراحی برنامه‌ها و شرایط و صلاحیت‌های لازم آموزشی و همچنین مسئولیت ارزیابی سیستم آموزشی به استثنای آموزش عالی بر عهده این شورا است. در واقع، این شورا، یک اداره کارشناسی است که مسئول توسعه اهداف آموزشی، محتوا و روشها در مدارس جامع، متوسطه تکمیلی، آموزش فنی حرفه‌ای و آموزش بزرگسالان می‌باشد. این اداره راهبردهای ملی برای طراحی برنامه درسی را ترسیم کرده و تصویب می‌نماید و مسئول ارزیابی نظام آموزشی فنلاند است. این شورا، وزارت آموزش را در تدوین لوایح قوانین و سیاست‌های آموزشی یاری می‌نماید.

شورای ملی آموزش توسط هیئت امنایی اداره می‌شود که اعضای آن را کارشناسان آموزشی، نمایندگانی از ذی‌نفعان اجتماعی، مقامات شهری ومعلمان تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، این شورا از یاری چندین نهاد مشورتی سود می‌جوید که نمایندگان طرفهای اجتماعی درگیر وکارشناسان بخشهای مختلف آموزش فنی‌وحرفه‌ای می‌باشند. این شورا از بخشهای آموزش همگانی، آموزش فنی وحرفه‌ای، آموزش بزرگسالان، آموزش سوئدی زبانان و گروه برنامه ریزی وعملیات خدماتی و سرپرستی تشکیل

می‌گردد. در بخش آموزش فنلاند، هیچ واحد سرپرستی مرکزی دیگری وجود ندارد.

۴. **هیئت‌های مشورتی**- وزارت آموزش از یاری سه گروه مشورتی دیگر نیز به شرح ذیل بهره می‌برد:

1- شورای آموزش عالی که عهده‌دار مسئولیت تدوین و بررسی مفاد اصول ناظر بر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی است.

2- مجمع مشورتی آموزش بزرگسالان که مسائل مربوط به توسعه آموزش مداوم را بررسی می‌نماید.

3- مجمع مشورتی برنامه ریزی آموزشی که به توسعه کمی آموزش‌های تکمیلی پرداخته و نیازهای آموزشی را پیش‌بینی می‌نماید.

ب- نهادهای منطقه‌ای/ محلی

بنابر قوانین اخیر، مناطق که از چند شهر تشکیل می‌شوند، عهده‌دار مسئولیت سرپرستی سطوح مختلف محلی و منطقه‌ای آموزشی می‌باشند، از این روی، دخالت استانی در این زمینه کاهش می‌یابد.

۱. استانداری‌ها - کشور فنلاند به ۱۲ استان و سرپرستی منطقه‌ای تقسیم می‌شود. هر استان از یک استانداری به ریاست استاندار و یک نهاد سرپرستی دولتی جهت مدیریت مدارس کشور برخوردار می‌باشد. در چند سال گذشته، دخالت استانداری‌ها در امور آموزش و پرورش کاهش یافته است. هدف، ایجاد یک نظام سرپرستی دو لایه‌ای است که تنها شامل سرپرستی مرکزی دولت و مقامات محلی باشد. مسئولیت گزینش دانشجویان استانی به نهادهای محلی آموزشی استان‌ها تفویض گردیده، تعیین ظرفیت دانشجویان فنی و حرفهای مراکز آموزشی استانی به مدارس عالی استانی واگذار شده، البته برخی از یارانه‌های دولتی فوق العاده به استان‌ها اختصاص یافته که منجر به دخالت بیشتر استانی در سرپرستی آموزشی شده است.

۲. **ادارات منطقه‌ای آموزش**- این ادارات که عهده‌دار مسئولیت اداره و ارزیابی سیستم آموزش ملی هستند در استان‌های کشور مستقر هستند. گفتنی است که ادارات منطقه‌ای نیز به نوبه خود تحت نظارت اولیای امور در شهرداری‌ها بوده که از استقلال و حق وضع مالیات برخوردار می‌باشند. همانند کشورهای اسکاندیناوی، آموزش و فرهنگ فنلاند به واسطه نقش والای اولیای امور محلی در فعالیت‌های سازماندهی شده و خدمات پیش بینی شده شناخته می‌شود، چراکه عمده مدارس فراگیر، متوسطه تکمیلی، مؤسسات حرفه‌ای و مؤسسات آموزش بزرگسالان توسط اولیای امور محلی آموزش اداره می‌گردند.

۳. **شوراهای منطقه‌ای آموزش‌وپرورش**- در کشور فنلاند، مطابق قوانین مصوب سال ۱۹۹۴، برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای از روند قانون‌گذاری سراسری در پارلمان به سطح شهرها منتقل شده است. تقسیم مسئولیت میان استان‌ها و شوراهای منطقه‌ای فعلاً درحال گذار بوده و موضوع اصلی منازعات احزاب سیاسی کشور می‌باشد.

۴. شهرداری‌ها- در شهرها، سرپرستی محلی آموزش و پرورش توسط شهرداری‌ها اعمال می‌شود که خودمختار بوده و حق وضع مالیات نیز دارند. در فنلاند حدود ۴۴۰ شهرداری وجود دارد. قدرت تصمیم گیری در شهرداری برعهده شورای شهر منتخب است. این شورا علاوه بر هیئت اجرایی شهری، چندین هیئت مشورتی را منصوب می‌نماید. هر شهرداری دست کم یک نفر در هیئت امنای مدرسه دارد که توسط شورای شهر منصوب می‌شود. اغلب دبیرستان‌های عالی ومدارس جامع توسط شهرداری‌ها اداره می‌شوند. دامنه مسئولیت شهرداری به مراکز بزرگسالان، مدارس شبانه ومؤسسات فنی و حرفه‌ای نیز بسط می‌یابد. مدارس دولتی و خصوصی در حوزه اختیارات مقامات شهری نیستند و مستقیماً تابع سرپرستی مرکزی می‌باشند. درفنلاند، شهرداری موظف است تا آموزش مدرسه جامع را برای کلیه کودکان ساکن در محدوده خود فراهم نماید یا اطمینان یابد که کودکان سنین مدرسه می‌توانند آموزش را به شکلی دیگر دریافت نمایند. مدارس تکمیلی متوسطه، مدارس فنی و حرفه‌ای و مدارس عالی می‌توانند توسط شهرداری‌ها، مقامات شهری یا سازمان‌ها و بنیادهای خصوصی مورد تأیید دولت اداره شوند. در فنلاند تنها ۲۴ مدرسه جامع خصوصی وجود دارد. این مدارس عمدتاً توسط سازمان‌های آموزشی مطرح بین المللی اداره می‌شوند. تنها یک مدرسه توسط سازمانی مذهبی اداره می‌شود. درحدود ۵۴% کل مؤسسات فنی و حرفه‌ای توسط شهرداری‌ها، ۳۴% توسط دولت و ۱۲% توسط بخش خصوصی اداره می‌گردند.

۵. هیئت‌های مدرسه‌ای- در هر شهری حداقل یک هیئت مدرسه‌ای تشکیل شده است که امورات مربوط به مدارس مختلف را در آن شهر زیر نظر دارد.

مدیریت مدارس

مدارس توسط هیئتی متشکل از معلمین، کادر آموزشی و غیرآموزشی، دانش‌آموزان و والدین اداره می‌گردند. از جمله مهم‌ترین وظایف هیئت‌های فوق می‌توان به توسعه کارایی مدارس و ارتقای همکاری‌های درون و میان مدرسه‌ای والدین و جوامع محلی اشاره نمود. مقامات شهری نیز چگونگی توزیع مسئولیت‌ها میان سرپرستی شهری و هیئت امنای مدارس را تعیین می‌کنند. به‌علاوه شهرداری‌ها می‌توانند در سرپرستی مدارس نیز همکاری داشته و دو یا چند مدرسه نیز از هیئت مشترکی برخوردار باشند. مدارس فنی و حرفه‌ای و مؤسسات عالی فنی و حرفه‌ای نیز معمولاً از هیئت امناهای مشابهی برخوردار می‌باشند، با این تفاوت که والدین در ساختار آن حضور نداشته و به مراتب مستقل‌تر و قدرتمندتر می‌باشند. مؤسسات فنی و حرفه‌ای علاوه بر برخورداری از هیئت امنا، از یک یا چند هیئت مشورتی نیز برخوردارند که در راستای بهبود آموزش و برقراری همکاری میان مدارس و زندگی شغلی فعالیت می‌نمایند. هیئت‌های فوق مرکب از نمایندگان مدارس، معلمین، ذی‌نفعان اصلی در رشته مربوطه و دیگر کارشناسان می‌باشند.
برنامه‌های درسی مدرسه جامع، تکمیلی متوسطه و مؤسسات فنی و حرفه‌ای به صورت محلی تنظیم می‌شود. علاوه براین، در هر مدرسه، یک اتحادیه دانش‌آموزی نیز وجود دارد که علاوه بر دیگر اقدامات، نمایندگان دانش‌آموزان را در هیئت امنا بر می‌گزینند.

برنامه‌ریزی آموزشی و درسی توسط مدارس – هر مدرسه باید یک برنامه آموزشی و درسی مصوب گردانندگان مدرسه یا مصوب سازمان معرفی شده از سوی آنان داشته باشد که معمولاً شهرداری یا هیئت امنای مدارس است. برنامه‌های درسی مدارس پایه، متوسطه و مؤسسات فنی و حرفه‌ای به‌صورت محلی تنظیم می‌شود. برنامه‌های درسی بر پایه راهبردهای ملی طراحی برنامه درسی صادره از شورای ملی آموزش تدوین می‌گردند. طراحی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و پلی تکنیک‌ها منحصراً توسط قوانین معینی صورت می‌گیرد.

در فنلاند مواد آموزشی از قبل بررسی یا تعریف نمی‌شوند، بلکه انتخاب آن‌ها معمولاً بر عهده خود معلمان می‌باشد. معلمین و خود مؤسسات مسئول ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان و صدور کارنامه تحصیلی برای آنان می‌باشند. منحصراً آزمون نهایی مقطع تکمیلی متوسطه، توسط کمیته آزمون سراسری برگزار و تصحیح می‌گردد. کمیته فوق توسط وزارت آموزش منصوب می‌گردد.

شایسته‌سالاری

فنلاند یکی از کشورهای نمونه در اروپا است که از گذشته نظام شایسته سالاری را بر سیستم اداری خود حاکم کرده است. با وجود آنکه طبقه اشراف بر آن حاکم بودند، اما عملاً افراد باسواد و تحصیلکرده بر این کشور حکومت می‌کردند. در واقع اگرچه در قرن نوزدهم میلادی در این کشور تبار و ثروت بر فرصت سوادآموزی شهروندان غلبه داشت اما نهایتاً این تحصیلات عالیه بود که برای تصدی مناصب دولتی و غیردولتی ملاک قرار می‌گرفت.

سیاست‌های مدیریت آموزش و پرورش

در دوران پس ازجنگ، هدف اصلی سیستم آموزشی فنلاند، ارتقای سطح آموزش و ارائه فرصت‌های آموزشی برابر به کلیه شهروندان فارغ ازمحل اقامت، ثروت، زبان مادری یا جنس آنان بوده است. این هدف به میزان زیادی محقق شده است. شبکه مدارس و مؤسسات، کل کشور را تحت پوشش قرار می‌دهند و در پاسخ به تقاضای آموزشی، جای کافی برای نوآموزان وجود دارد. تمرکز سیاست آموزشی از ایجاد زیرساخت به بهبود کیفیت تغییر یافته است. در این مرحله، ارتقای کارآیی نظام آموزشی، افزایش ظرفیت آن برای برآوردن تقاضا، افزایش تعداد گزینه‌های موجود برای نوآوران و تفویض قدرت تصمیم گیری درباره برنامه درسی واجرای آن به خود مدارس مد نظر قرار دارد.

• معرفی الگوی آموزشی و پرورشی کشور فنلاند، بصورت مفصل در شماره بعدی ماهنامه مدارس مسجد محور ادامه خواهد داشت.

رویداد هم افزایی مدیریت ایران

رویداد هم افزایی برای مدیریت ایران در اولین دوره برگزاری خود این هدف را دنبال کرد که حلقه وصلی میان مدیران کشور و شرکت‌ها، مؤسسات و گروه‌هایی باشد که دارای الگو، ایده و محصولی برای حل چالش‌های اساسی ایران عزیزمان هستند. این رویداد در اولین دوره در

نظر داشت تا مبدأ تحولی بزرگ در روند حکمرانی و حل نظام مسائل کشور بوده و سرآغاز فصلی نو در ارتباطات حاکمیتی و مردمی باشد. مجموعه‌های مختلف به‌واسطه خدمت، محصول یا الگویی که دارند می‌توانند در بهبود مناسبات حکمرانی نقش آفرین باشند.

در این رویداد شرکت‌ها، مؤسسات و گروه‌های نوآور با شبکه‌سازی همکاران رقبا و مدیران مختلف کشور را شناسایی کرده و برای طرح همکاری با آن‌ها اقدام نمودند.

مزیت این رویداد برای مدیران کشور علاوه بر وجه کلان آن که تمرکز بر حل چالش‌ها و مسائل کشور می‌باشد ایجاد نمایشگاهی از شرکت‌ها و مؤسسات متنوع است که در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فناوری، مدیریت، اشتغال، آموزش، بهداشت، محیط زیست و رسانه توانایی ارائه الگو و حل مسئله را دارا می‌باشند. وجود چنین گروه‌هایی زیر یک سقف بستری مهیا و آماده است تا مدیران برای حل مسائل حوزه‌های تحت مدیریت خود از آن‌ها مشاوره بگیرند و با طرح همکاری چالش‌ها را در زمان کم و با کیفیت مطلوب مرتفع نمایند.

ستاد مدارس مسجد محور با همکاری ۸ مجموعه از مجموعه‌های فعال خود حضور پررنگی در نخستین رویداد هم افزایی مدیریت ایران داشت. مدارس مسجد محور با میزبانی از بیش از ۸۰ مدیر کشوری و لشکری صاحب نظران اندیشمندان فعالان عرصه‌های مختلف حاکمیت یکی از فعال‌ترین غرفه‌های نمایشگاه را به نام خود ثبت کرده و بستر آشنایی بسیاری از مسئولین کشوری را با جریان مدارس مسجد محور فراهم نمود.

در این شماره از ماهنامه مدارس مردمی گوشه چشمی به نظرات برخی از اندیشمندان و مسئولان بازدیدکننده از غرفه مدارس مسجد محور خواهیم انداخت و شرح و تفصیل این نظرات ارزشمند را به مجال دیگری موکول خواهیم کرد.

1. آقای علی عبدالعالی، مدیر محترم شبکه آموزش سیما در حین بازدید از غرفه‌های مدارس مسجد محور با استقبال از این جریان تحول گرا در حوزه تعلیم و تربیت اظهار داشتند:

آن چیزی که به نظر من واجب است ترویج این نگاه است. راهش هم این است که از رسانه ملی، از شبکه‌های مختلف، نمونه کارهای شما پخش شود. بخشی از فعالیت‌های قشنگتان را حتی دو دقیقه مثلاً، یک نمونه از مهارت‌هایی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند، از این جمع‌های باحالی که آدم‌ها دور هم جمع‌اند به ما بدهید که ما در شبکه‌های مختلف پخش کنیم. من قول می‌دهم حداقل از شبکه آموزش کارهای خوب شما را پخش کنم. بچه‌های مسجد محور مطمئن باشند خروجی‌هایشان را ما پخش می‌کنیم. کارهای شما خیلی قشنگ است، اصلاً رنگ را ببین! می‌دانید باید چکار کنید؟ به بچه‌هایتان بگویید که بهترین کارهایشان را انتخاب کنند تا من از شبکه آموزش پخش کنم.

همچنین ایشان علی‌رغم ضیق وقت در نمایشگاه، مصاحبه کوتاهی نیز با بخش رسانه مدارس مسجدمحور انجام دادند که خلاصه آن در این بخش تقدیم خواهد شد:

فکر کنم برای اولین بار اینچنین مجموعه‌ای را دیدید؛ نظرتان در باره آن‌ها چه بود؟

ببینید یک مرحله از کاری که ما باید انجام دهیم عبارت از این است که در ساختار تعلیم و تربیتی اشکالاتی را که وجود دارد بفهمیم؛ مثلاً یک لیستی را درست کنیم که سیستم آموزش و پرورش ما این ایرادات را دارد. در این قصه به نظرم نسبتاً خوب پیش رفتید.

مرحله بعدی این است که بیاییم و راه حل ارائه دهیم. مجموعه مدرسه‌های مسجد محور یک راه حل است و پیشنهاد اکید من به همه رفقا که سعی کرده‌ام بگویم این است که نمونه‌هایی از کارهایی را که بچه‌ها انجام داده‌اند را از طریق رسانه ملی پخش کنیم تا ببینیم که می‌شود که کارهای جذاب و خوب را به جای کارهای بد و به دردنخور ارائه کرد.

آینده این مدارس مسجد محور را چه می‌بینید؟

نمی‌دانم، این سؤال تخصصی است و به نظرم من سواد جواب این سؤال را ندارم که اینقدر سریع به شما جواب بگویم؛ ولی اصولاً ما باید عیناً راه حل‌های خوبی را با هم مرور کنیم و راجع به آن‌ها حرف بزنیم و آزمایش کنیم تا ان‌شاءالله بتوانیم یک تعدادی روش خیلی خوب را پیدا کنیم. لزوماً هم این روش‌ها همه‌شان از یک مسیر نمی‌گذرد و می‌تواند مسیرهای موازی را نیز برود.

به نظرتان این الگو مدارس می‌تواند یکی از این روش‌ها باشد؟

می‌تواند یکی از آن‌ها باشد.

2. جناب آقای دکتر مجید اسماعیلی نیز در بازدید از غرفه‌های مدارس مسجد محور، با اظهار خرسندی از آشنایی با مدارس و گفتگوی چهره به چهره با تمامی غرفه‌ها، در ضمن مصاحبه‌ای کوتاه با گروه رسانه‌ای ستاد مدارس مسجدمحور، نکات ارزشمندی را بیان کردند که بطور خلاصه گوشه‌ای از این نکات به سمع و نظر عزیزان می‌رسد:

ضمن تشکر از حضور حضرتعالی درغرفه های مدارس مسجدمحور، آیا با مدارس ما پیش از این آشنا بودید؟ نظر شما درباره جریان مدارس تحول گرا و بخصوص مدارس مسجدمحور چیست؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین. خدمتتان عرض کنم که با مدارس مسجد محور آشنا هستم. دو سه سالی هست که با بعضی از مدارس، رابطه‌ای دارم و از نزدیک با خبر هستم ولی از پشت پرده بی‌خبر هستم. خدا را شکر این که این مدارس مسجد محور این گونه رشد می‌کند این واقعاً خبر خوبی است.

خب با اتفاق خیلی پلیدی روبرو هستیم در آموزش و پرورش و آن این است که دانش آموز ما بعد از ۱۲ سال درس خواندن، بسیاری از آنچه را که بایستی یاد بگیرد را یاد نمی‌گیرد و در زندگی‌اش کاربرد آنچنانی هم ندارد.

این اتفاق (مدارس مسجدمحور) جدی شکل گرفته است که بچه‌ها سرنوشت خودشان را تقریباً در دوره ۱۴ یا ۱۵ سالگی می‌دانند چیست و در چه کاری می‌خواهند فعالیت کنند و حوزه فعالیت خودشان را شناخته‌اند و با قدرت و سرعت و کیفیت به سمت آن حرکت می‌کنند؛ یعنی یک عالمه از آن چیزهایی را که لازم نیست گذاشته‌اند کنار و آنچه نیازهای ضروری و مبرم است را شناسایی کردند و در آن جهتی که بایستی عمیق شوند هم آگاهی پیدا کرده‌اند و با قدرت به سمت اهداف پاک خود می‌روند.

اتفاق مهمی که دارد می‌افتد در این مدارس (مدارس مسجد محور) این است که آدم‌ها زود وارد فضای جدی و واقعی زندگی روزمره‌شان می‌شوند و اینکه راه زندگی‌شان را به جای اینکه در ۲۲ یا ۲۳ سالگی انتخاب کنند در ۱۴ سالگی انتخاب کرده و وارد فاز تخصصی زندگی می‌شوند. نه اینکه فاز عمومی. زندگی تازه بعد از ۲۵ سال برای او آیا باز بشود آیا نشود!

به نظرم اتفاق بسیار خوبی است و امیدواریم که مسئولین به این موضوع یک نگاه خیلی جدی و دلسوزانه بکنند. موانع را برطرف کنند و شرایط رشد آن‌ها را فراهم کنند. البته ما یک شرایطی را باید داشته باشیم که این مدارس بتوانند نظام‌مندتر، دقیق‌تر کارکنند و البته با یک اشراف مدیریتی دینی و یا اشراف برخی از علماء، بزرگان و مراجع که باعث دلگرمی‌های بسیار خوبی هم است اگر همراه شود، خیلی بهتر است. اگر این کار یک مقدار نظام‌مندتر هم بشود من فکر می‌کنم که یک بار بزرگی از مسئولیت حاکمیت در مورد آموزش‌وپرورش برداشته می‌شود و مسئولیت پرورش انسان‌ها به اهل آن سپرده خواهد شد.

سؤال: با توجه به رشد تصاعدی که مدارس مسجدمحور دارند، شما آینده مدارس مسجد محور را چگونه می‌بینید؟

من فکر می‌کنم هر نیازی اگر واقعی، جدی، ضروری و عینی شود توسعه‌اش قطعاً اتفاق خواهد افتاد؛ یعنی به زودی من احساس می‌کنم که این نیاز در خود خانواده‌ها تبدیل به یک مطالبه جدی خواهد شد و من فکر می‌کنم که آینده این نوع مدارس، آینده نورانی هست. خداوند به کسانی که زنگ این مدارس مسجد محور را زدند و این مسیر را شروع کردند، خداوند به آن‌ها برکت دهد و توفیق‌شان دهد و به لحظه لحظه زندگی‌شان برکت روزافزون عطا کند که این مسیر ادامه دار باشد.

من امیدوارم که ما به زودی در آموزش و پرورش، معاونتی با همین عنوان را داشته باشیم. این یک نیاز است و این نیاز تجربه می‌شود به حاکمیت و حاکمیت هم از آن استقبال خواهد کرد ان‌شاءالله.

3. جناب اقای دکتر رحیمی، مدیرکل آموزش و پرورش استان قم که از قدیم الایام با مدارس مسجدمحور آشنایی

داشته و حتی در برهه‌ای از زمان، عضو شورای نظارت مدارس مسجدمحور نیز بوده‌اند، در بازدید از نمایشگاه هم افزایی مدیریت ایران اکثر زمان حضور خود را به بازدید از مدارس مسجدمحور و گفتگو با مدیران مدارس اختصاص دادند که گوشه‌ای از گفتگوی ایشان با واحد رسانه ستاد مدارس مسجد محور منتشر خواهد شد.

خوش‌آمد می‌گوییم خدمت جناب اقای دکتر رحیمی مدیر کل آموزش و پرورش استان قم

با توجه به آشنایی و دوستی دیرینه شما با مدارس مسجدمحور، لطفاً دیدگاه خود را درباره این جریان تحول گرا در نظام تعلیم و تربیت کشور بفرمایید.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در حوزه تعلیم و تربیت هم فکرها و تئوری‌های مختلفی وجود دارد و هم روش‌های اجرائی گوناگون. بعد از انقلاب اسلامی، تنوع مساجد بیشتر از قبل انقلاب شد و این باعث شد تا زمینه ایفای نقش بیش از پیش مساجد فراهم گردد. ما الآن در کشور مدارس مسجدمحور زیادی را بصورت فعال داریم که نیازمند قانونی شدن هستند ... مدارس مسجد محور چون فعالیت محورند و با تعداد دانش‌آموزان کمتری کلاس‌ها را تشکیل می‌دهند امکان انجام فعالیت‌های عملی بیشتری برای کلاس‌ها فراهم است. این مدارس، در گیر و دار قوانین سفت و سخت سازمانی نیستند و از یک انعطاف ساختمانی مناسبی برخوردارند. این مدارس، آموزش را مستقیماً تبدیل به عمل می‌کنند؛ به همین لحاظ می‌توانند خود رو باشند و افرادی را در تراز نظام انقلاب اسلامی و برای کنش در میدان تربیت کنند.

عزیزان ما در مدارس قم گویا برای امتحانات پایان سال مشکلاتی داشته‌اند، آیا می‌توان از شما قول همکاری گرفت؟

ببینید مسئله امتحانات که پیچیده است، امروز چهارم مرداد ماه است که الآن مسئله‌ای به نام امتحانات نداریم ولی در مورد امتحانات افرادی که به مشکل برخورده‌اند، ما به صورت مقتضی این موضوع را حل کردیم. منتها برای این که به صورت قانون‌مند این مشکل حل شود نیاز به این است که چارچوب مدارس مسجد محور مورد تأیید مراکز قانون‌گذار از جمله شورای عالی آموزش و پرورش قرار گیرد. لذا امیدواریم که این اتفاق بیفتد و مدارس مسجد محور در قالب قانون تصویب شوند.

• لازم به ذکر است طی جلساتی که بعد از رویداد هم افزایی با جناب اقای دکتر رحیمی برگزار شد، ایشان قول مساعد پیرامون همکاری در باب امتحانات و کتاب‌ها داده و دست همکاری همه جانبه با ستاد مدارس مسجدمحور فشردند.

4. جناب حجت الاسلام والمسلمین آل اسحاق مدیر کل خدمات فرهنگی مرکز جهانی اهل بیت (ع) از غرفه ستاد مدارس مسجد محور دیدار کردند. ایشان در حاشیه این دیدار گفتگویی کوتاه با رسانه ستاد انجام دادند که این گفتگو بدین شرح است:

دراولین روز رویداد هم‌افزایی در خدمت جناب حجت الاسلام والمسلمین آل اسحاق مدیر کل خدمات فرهنگی مرکز جهانی اهل بیت (ع) هستیم. حاج‌آقا خیلی خوش‌آمدید به غرفه ستاد مدارس مسجدمحور، در این

بازدید کوتاه از غرفه‌های ستاد مدارس مسجدمحور، کلیت جریان مدارس مسجدمحور را چگونه دیدید؟

در آستانه ماه مبارک قرار گرفتیم و این بازدید از دوستان و طلاب را به فال نیک می‌گیریم. حقیقتش حرکت، حرکت بسیار مبارکی است و من احساس کردم که یک جهش رو به جلو شکل گرفته است، این مدارس در کنار مسائل تربیتی، مسائل آموزشی را اضافه کردند که کار بسیار خوبی است. این کار، کار ارزشمند و ماندگاری است و کاری است که ان‌شاءالله ثمرات آن را در آینده خواهیم دید. با توجه به آسیب‌ها، مشکلات و مسائلی که جامعه اسلامی را درگیر خودش کرده است این طرح می‌تواند نجات بخش جامعه اسلامی باشد.

اگر این طرح در کل کشور ادامه پیدا کند، تحول عظیمی را شاهد خواهیم بود. این طرح نقاط قوتی دارد؛ ولی حتماً و مطمئناً پیروز خواهید بود، چون آنچه برای خداست خدا هم حمایت می‌کند و من مطمئنم در آینده خواهید درخشید.

5. جناب آقای قاسمی، مشاور محترم وزیر دفاع در بازدید از غرفه مدارس مسجد محور، با بذل لطف خود نسبت به مدارس مسجدمحور، سخنانی را ایراد فرمودند که مشروح آن چنین است:

هرچیزی، هرکاری و هر مجموعه انسانی‌ای، آن عصاره فکری‌اش از مدرسه چینش پیدا می‌کند. از مهد کودک و مدرسه سرچشمه می‌گیرد. متأسفانه مهدکودک‌هایمان که نمی‌گویم مال چه گروهی است؛ مدارسمان هم که با

خاتمی، هاشمی، احمدی‌نژاد و وزیرانی که گذاشتند به اینجا رسیده است. مثلاً وزیر دفاع را به جای وزیر آموزش‌وپرورش گذاشته‌اند؛ یعنی اصلاً توجه ویژه به آموزش‌وپرورش که پایه اصلی قبل از انقلاب است انجام نشده است. افرادی الآن مصدر کار هستند که ... و در مجموع، بازی را باختیم. من به کار شما تبریک می‌گویم. در مرحله اول، چنین مدرسه‌ای در سطح شهر تهران اگر مشکلی دارد و من می‌توانم که کمک شما بکنم، بنده در خدمتم. امیدوارم با کمک شما بتوانیم این فرهنگ را درست کنیم. الآن نزدیک یک ماه است که این کار را شروع کردیم و ان‌شاءالله در آینده با ارتباطاتی که با شما داریم بتوانیم حداقل (که دستور ولی امر هم هست) ۴۰ مدرسه را سازمان‌دهی کنیم و کار کنیم و این مدارس، مرکز کلیدی ما و نظام است. خواهش می‌کنم که توجهی ویژه شود. وزیر ویژه و معاونت‌های ویژه نیاز دارد که بتوانند ارتباط را حفظ کنند. ان‌شاءالله بتوانیم نیروهایی انقلابی تحویل جامعه بدهیم.

غرفه مدارس مسجد محور در اولین رویداد هم افزایی مدیریت ایران میزبان بسیاری از مسئولین، دغدغه مندان و فعالان عرصه‌های مختلف حاکمیتی بود که ثمره این میزبانی و آشنایی در دیدارهای بعدی ستاد مدارس مسجدمحور با این عزیزان نمایان شد. به تفصیل و در شماره‌های بعدی ماهنامه مدارس مردمی، به ثمرات و دیدارهای گوناگون ستاد و مسئولین دغدغه مند خواهیم پرداخت. مسئولینی که از غرفه‌های مدارس مسجدمحور بازدید فرمودند:

- جناب آقای سید ابراهیم رئیسی ریاست محترم جمهور (ایشان به بخش فرهنگی رویداد نیامدند اما چهار نفر از مسئولین مدارس مسجدمحور با ایشان گفتگو نموده و مسائل و مشکلات مدارس مسجدمحور را مطرح نمودند و رئیس جمهور نیز قول حل مسئله را دادند.)

- آقای سید امیر حسین قاضی زاده هاشمی معاون رئیس جمهور

- آقای میثم لطیفی معاون رئیس جمهور (خارج از غرفه)
- آقای سید احمد عبودتیان دستیار رئیس جمهور
- آقای عبدالملکی مشاور رئیس جمهور
- نمایندگان ستاد کل نیروهای مسلح
- آقای یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش به همراه معاونین
- آقای لطیفی معاون وزیر آموزش و پرورش به صورت جداگانه
- آقای عالم زاده نوری معاون تهذیب حوزه های کشور
- آقای چکشیان معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به همراه مدیران کل
- سردار قاسمی مشاور وزیر دفاع
- آقای الماسی مدیر کل حوزه وزارتی وزارت آموزشوپرورش
- آقای نیکزاد مشاور وزیر آموزشوپرورش
- آقای بانکی پور نماینده مجلس
- آقای حزیراوی قائم مقام سازمان تبلیغات کشور
- آقای عزت زمانی معاون فرهنگی سازمان تبلیغات کشور
- آقای تجریشی معاون راهبردی سازمان تبلیغات کشور
- آقای میرمحمدیان قائم مقام معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات و مدیر عامل بنیاد هدایت (مساجد سازمان)
- آقای دادمان مدیرکل حوزه هنری
- رئیس سازمان بهزیستی کشور و معاونین
- آقای قائمی مشاور رئیس مجلس و عضو شورای شهر تهران
- آقای آل ایوب مدیر کل فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت
- آقای جلیلی قائم مقام سازمان صدا و سیما
- آقای فروغی مدیر شبکه سه
- آقای کشکولی مدیر شبکه قرآن
- آقای عبدالعالی مدیر شبکه آموزش
- آقای منصوری استاندار تهران
- آقای جوهری معاون سیاسی امنیتی استانداری تهران
- آقای هانی ایرانمنش مشاور قرارگاه قرب و عضو شورای عالی جهاد سازندگی
- مدیران حوزه های علمیه برادران و خواهران استان تهران
- آقایان مشکانی و نجفی نمایندگان مرکز مطالعات راهبردی حوزه
- آقای عموزاده مدیرکل فرهنگ و ارشاد استان قم

- آقای رحیمی مدیرکل آموزش و پرورش استان قم
- مسئولین جبهه فرهنگی استان‌های تهران و...

و ده‌ها تن از استانداران، فرمانداران و مسئولین دیگر در رده‌ها و نهادهای مختلف کشور.

آینده از آن ماست...

الگوی پیشه محور

مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای (مدظله العالی):

یک مسئله هم مسئله مهارت‌آموزی است که من قبلاً هم روی این تکیه کرده‌ام؛ یعنی یافته‌های علمی را در عمل پیاده کردن و تحقّق دادن و این را به دانش‌آموز و جوان و دانشجو یاد دادن؛ که البتّه مرکز اصلی‌اش آموزش‌وپرورش است، یعنی از دبیرستان باید شروع بشود، از مدرسه باید شروع بشود. اگر روح مهارت‌یابی در جوان زنده شد، یعنی یاد گرفت که یافته علمی را بتواند تحقّق عملی ببخشد، آن وقت این خیلی برکات در آینده خواهد داشت.

یک نکته دیگر در مورد مسائل آموزش و پرورش تفکیک بین علم نافع و علم لاینفع است؛ الآن در دبیرستان‌های ما و شاید در دبستان‌های ما دانش‌هایی تدریس می‌شود که هیچ فایده‌ای به حال امروز و آینده این دانش‌آموز ندارد؛ یک چیزهایی است، [یک] ذهنیّاتی است که یادشان هم می‌رود و در هیچ مسئله زندگی به اینها کمک نمی‌کند، در پیشرفت علم به اینها کمک نمی‌کند؛ این‌ها را شناسایی کنید، حذف کنید. علم نافع، آن علمی است که بتواند استعداد جوان و نوجوان را شکوفا کند؛ استعداد او را شناسایی کند، آن را در جهت استعداد خودش رشد بدهد، آن استعداد را شکوفا کند؛ برای آینده او سرمایه ذهنی و عملی فراهم بکند؛ این می‌شود علم نافع؛ بعد طبعاً در پیشرفت و تعالی کشور تأثیرگذار خواهد بود امّا اینکه حالا یک مشت محفوظات ناکارآمد را به ذهن دانش‌آموز سرازیر کنیم، نه این [فایده ندارد]. یک بخش از وقت به آموزش و مهارت‌ها صرف بشود. (مقام معظم رهبری)

اهداف آموزش پیشه محور

- یادگیری اطلاعات به صورت عینی و ملموس
- آموزش و رشد اقتصادی به معنای استفاده بهینه از ابزار و امکانات موجود
- توانایی کسب درآمد توسط دانش آموز
- توانایی استفاده عملی دانش آموز از اطلاعات دریافتی
- منفعل نبودن دانش آموز در حین یادگیری
- افزایش خلاقیت فکری و توانایی ذهنی فرد
- افزایش علاقه و انگیزه فرد نسبت به یادگیری و آموزش
- کشف استعدادهای فرد در زمینه‌های مختلف
- عدم وابستگی مطلق فرد برای یادگیری به معلم و افزایش توانایی خودیادگیری به علت بوجود آمدن مسئله و سؤال در فرآیند کار

ضرورت

آینده‌ای روشن و قدرتمند در مجموعه نظام آموزشی کشور ما، منوط به وجود سرمایه‌های ارزشمند انسانی آن بوده که مجهز به سلاح دانش، مهارت و توانایی‌های علمی باشند؛ از این جهت است که نظام‌های آموزشی نباید در صدد انتقال و ذخیره سازی صرف دانش‌ها و علوم مورد نیاز در حافظه افراد باشد، بلکه می‌بایست با یک روش و طراحی علمی درست و تحولگرا ضمن ایجاد مهارت محوری در آموزش‌ها، یادگیرندگان خود را افرادی مبتکر، خلاق، نوآور و پیش برنده تربیت نماید؛ و این مسئله مستلزم تحول اساسی در نظام آموزشی کشور است.

بی شک می‌بایست در تمامی مراحل طراحی آموزشی اعم از تولید و اجرا، هدفگذاری و ارزشیابی نقطه مشترک و نهایی و همچنین سمت و سوی سرمایه‌های مادی و معنوی را به انتقال دانش‌ها با رویکرد مهارت محوری به افراد برنامه ریزی نمود.

آسیب شناسی

به نظر می‌رسد بخش زیادی از مسائل وآسیب‌های اجتماعی که امروز گریبان جامعه ما را گرفته است، ناشی از نداشتن مهارت‌های زندگی و اجتماعی مورد نیاز افراد جامعه است. این مهارت‌ها می‌بایست قبلاً در

خانواده و مدرسه به فرد آموزش داده می‌شد تا بعد از رسیدن به سنین جوانی بتواند یک زندگی مستقل را شروع کند.

تاکید و تمرکز بر آموزش دانش و اطلاعات غیر کاربردی و بی‌توجهی به آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی باعث آسیب‌های اجتماعی مانند، بیکاری، اعتیاد، طلاق و... برای کاهش و حتی برطرف کردن آسیب‌های اجتماعی در میان مدت و بلند مدت باید تغییر روند آموزشی مدارس از دانش محور به مهارت محور در دستور کار قرار بگیرد.

تفاوت مهارت محور با دانش محور

از جمله تفاوت‌های عمده میان آموزش‌های مهارت‌محور و آموزش‌های دانش‌محور این است که آموزش مهارت محور بی‌واسطه با مشاغل و حرفه‌های مورد نیاز جامعه ارتباط دارد؛ اما نوع دوم لزوماً این‌گونه نیست.

گروه نخست که از آن‌ها به عنوان آموزش‌های مهارت محور یاد شد از منظر هدفگذاری تفاوت‌های بنیادی با آموزش‌های دانش محور دارند، دلیل آن نیز این است که علاوه بر نگاهی که به حوزه دانش و علم دارند هر کدام حداقل یکی از مشاغل و حِرَف مورد نیاز جامعه را هدف قرار داده‌اند و به منظور ایفای نقش در یکی از رشته‌های شغلی متنوعی که آحاد جامعه برای استمرار زندگی خود به آن نیاز دارند، اقدام به تربیت نیروی انسانی ماهر می‌کنند.

از آنجایی که رفع چنین نیازهایی با دانش صرف امکان پذیر نیست، مهارت‌آموزان و هنرآموزان در اینگونه آموزش‌هایی یاد می‌گیرند که چگونه از تجربیات اساتید متخصص، تجهیزات و ابزارها برای رفع مشکل استفاده کنند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این آموزش‌ها، مسئله محوری، کوتاه مدت بودن و انعطاف پذیری آن‌هاست که می‌توانند فارغ از سن در مقاطع مختلف اجرا شوند. البته که ضرورت پرداختن به کسب علم و دانش به مقدار نیاز و با روش‌های اصولی در رویکرد مهارت محور پوشیده نیست.

مسئله

بعضی مطالب در برنامه درسی کنونی، صرفاً محفوظاتی است که بدون هیچ سودی برای حال یا آینده دانش‌آموزان به ذهن آن‌ها سرازیر می‌شود که باید این موارد شناسایی و از آموزش‌ها حذف شود. (مقام معظم رهبری)

مدارس از نظر آموزش مهارت‌های اساسی زندگی، اجتماعی و تخصصی، وضعیت مطلوبی ندارند. در حال حاضر کمترین توجه و تمرکز بر آموزش مهارت است. دانش آموزی که در سن ۶ یا ۷ سالگی وارد پیش دبستانی و مدرسه می‌شود. بعد از شش سال دوره ابتدایی و دو دوره سه ساله متوسط، باید از نظر یادگیری مهارت‌های زندگی –اجتماعی و حتی مهارت‌های تخصصی در حد مطلوب و قابل قبولی باشد؛ اما متأسفانه فارغ التحصیلان دبیرستانی ما با کمترین مهارت‌های مورد نیاز با انباشتی از اطلاعات غیر نافع مدرسه را تمام می‌کنند. گروهی وارد

دانشگاه‌های مختلف می‌شوند و مابقی نیز به سمت بازار کار می‌روند. مدارس ما مدارس دانش محور هستند نه مهارت محور! مدرسه حجمی از دانش و اطلاعات را در حافظه دانش‌آموزان می‌ریزد و از همین حجم اطلاعات در پایان‌ترم و یا سال تحصیلی امتحانی می‌گیرد. دانش آموز هم اگر بتواند از این امتحان نمره بگیرد، قبول تلقی شده و به پایه بالاتر می‌رود. این روند تا پایان دوره متوسط و حتی دانشگاه ادامه دارد؛ اما سؤال این است آیا این دانش‌آموزان و دانشجویان مهارتی نیز کسب کرده‌اند؟ آیا همان مقدار از مهارتی که آموخته‌اند می‌توانند در زندگی روزمره پس از مدرسه و دانشگاه کمکشان کند؟

استعداد سنجی

متأسفانه در مدرسه اگر دانش آموزی علاقه‌ای به درس ریاضی نداشته باشد و یا به هر دلیلی در این درس نمره بالایی نگیرد با برچسب‌های مانند تنبل و کم هوش و...قضاوت می‌شود. در صورتی که ممکن است همین فرد در مهارت‌های زندگی و اجتماعی و یا در یک مهارت خاص به بهترین نحو ممکن عمل کند. در رویکرد مهارت محوری با شناسایی صحیح استعداد و توانایی فرد و شکوفا کردن آن‌ها مسیر درستی در تعلیم و تربیت دانش آموز سپری می‌شود.

در کنار آموزش پیشه و مهارت‌های متفاوت به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که چگونه بتوانند نیازهای روزمره خودشان را برطرف کنند و در نهایت مستقل شوند. چگونه ارتباط مؤثری با دیگران از جمله، همکلاسی، معلمان و سایر افراد جامعه برقرار نمایند. چگونه با

دیگران ابراز همدلی کنند و همکاری نمایند. چگونه مسئولیت پذیر باشند و اولویت را به کار گروهی بدهند.

خانواده‌ها فرزندان خود را به امید کسب مهارت‌های لازم به مدرسه روانه می‌کنند تا در زندگی آینده موفق باشند.

خروجی سیستم آموزشی کشور در شرایط فعلی موفق آمیز نیست: آموزش در سیستم‌های آموزشی مملکت باید به نحوی باشد که اشخاص در زندگی فردی و اجتماعی توانمند تربیت شوند.

مشکلات اساسی سیستم آموزشی ایران مانند آموزش بر پایه محفوظات و تئوری، مهارت محور نبودن، بی توجهی به بحث پرورش خلاق و مواردی از این دست: آموزش در مدارس باید برپایه یادگیری باشد نه محفوظات.

برنامه‌های آموزشی بایدبه نحوی باشدکه فرزندان این مرزوبوم روش یادگیری را به درستی فراگیرند.

روش یادگیری و تفکر صحیح باید در مدارس آموزش داده شود، گفت: یادگیری و خلاقیت از جمله عنصرهای مهم برای پیشرفت یک کشور است.

سیستم آموزشی ایران مهارت محور نیست، افزود: آموزش‌ها در کشور باید از تئوری محور به سمت و سوی مهارت محوری حرکت کند.

برای تربیت فرزندان توانمند باید سیستم آموزشی کشور متحول شود، سیستم فعلی باید به سمت یادگیری و تفکر صحیح هدایت شود چرا که هدف اصلی آموزش‌وپروش آمادگی دانش‌آموزان برای زندگی بهتر در آینده است.

پرورش خلاقیت‌های دانش‌آموزی مهم‌ترین نیاز امروز مدارس ایران است.

مسجد، محل اقامه تعلیم و تربیت اسلامی

مسجد پایگاه است؛ نه فقط پایگاه برای فلان مسئله اجتماعی، [بلکه] مسجد می‌تواند پایگاه همه کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدّن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد.

۳۱/۰۵/۱۳۹۵

بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران

عبادت ارتباطی صمیمی میان بنده و پروردگار است که در نگاه اوّل، دارای ساختاری فردی و شخصی است؛ اما جالب اینجا است که وقتی خداوند برای این ارتباط صمیمی، جایگاهی ویژه به نام مسجد طراحی

می‌کند، ساختاری اجتماعی به آن بخشیده و سازوکاری جمعی برای آن در نظر می‌گیرد.

اگرچه مسجد، مکانی برای عبادت است، اما گویا زیر بنای آن به‌گونه‌ای طراحی شده است که رشد فردی، تنها در سایه ارتقاءجمعی سامان می‌پذیرد. باید در نظر داشت که عبادت در این ساختار پیشرفته و چندمنظوره، از چنان ارزشی برخوردار است که دیگر قابل‌مقایسه با گونه فردی آن نیست. امام رضا (ع) دراین‌رابطه می‌فرماید:

«فَضْلُ الْجَمَاعَه عَلَی آلفرد کُلُّ رَکْعَةٍ بِأَلْفَی رَکْعَةٍ» [۱]

برتری و فضیلت هر رکعت از نماز جماعت برابربا دو هزار رکعت از نماز فردی است.

گویا امام (ع) از یک واقعیت بزرگ پرده‌برداری کرده و در کنار پاداش بزرگ نماز جماعت، اشاره‌ای به یک حقیقت شگفت‌انگیز، یعنی نیروی پر اثر و نهفته آن داشته است. آری، در ساختار نماز جماعت از یک سو و سازمان مسجد از سوی دیگر، آن‌چنان ظرفیتی وجود دارد که بهره‌برداری تمام‌عیار از آن را بر همگان لازم و ضروری می‌کند.

در حقیقت نهال تازه و نورس، نیازمند زمینی حاصل‌خیز و بستری آماده برای رشد و تعالی است. جوان و نوجوان مسلمان نیز برای رشد و پرورش، بستری شایسته و آماده، می‌طلبد که هم تعالی‌بخش ظرفیت‌های او باشد و هم از آفات احتمالی، فاصله‌ای قابل‌توجه داشته باشد.
باتوجه‌به آنچه که گفته شد، خداوند این بستر را در ساختاری به نام «مسجد» تدارک دیده و آن‌چنان نیرو و ظرفیتی در نهاد آن مستور داشته که گاه قابل‌تصور نیست. در حقیقت مسجد، یک محیط تربیتی پیشرفته و سرایی آموزش‌محور، برای حضور در اجتماع مسلمین است.
اکنون به برخی از این ظرفیت‌های اجتماعی موجود در نهاد مسجد اشاره می‌کنیم:

۱) وحدت و یکپارچگی

یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت هر جامعه‌ای، وحدت و یکپارچگی افراد جامعه با یکدیگر است؛ اما دستیابی به وحدت، بسیار دشوار است؛ زیرا گذشتن از تمایلات شخصی به‌خاطر رسیدن به اهداف اجتماعی، نیازمند عقلی رشدیافته است. باید دانست که دستیابی هر اجتماعی به این درجه از رشد و پیشرفت، بدون فرهنگسازی، آن هم از سنین کودکی و نوجوانی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در میان نهادهای گوناگون اجتماعی، «مسجد» بهترین کارگاه برای تمرین و ممارست در دستیابی به اتحاد و همدلی است. صفوف جماعت، همه مردم را با افکار و عقاید و سلایق گوناگون، کنار یکدیگر جمع کرده و از آن‌ها یک اجتماع یکپارچه می‌سازد.

حتّی نگاه‌کردن به این منظره یکپارچه، می‌تواند در روحیه جوانان تأثیرگذار باشد.

---

۱. تحف‌العقول، ص ۴۱۷

رسول خدا (ص) به نمازگزاران مسجدی می‌آموزد که:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لِئَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»[۲]

ای مردم، صف‌ها را منظم کنید و دوش‌به‌دوش بایستید تا فاصله‌ای میان شما پدید نیاید. در صف‌ها متفرق نباشید تا خداوند دل‌های شما را متفرق نسازد.

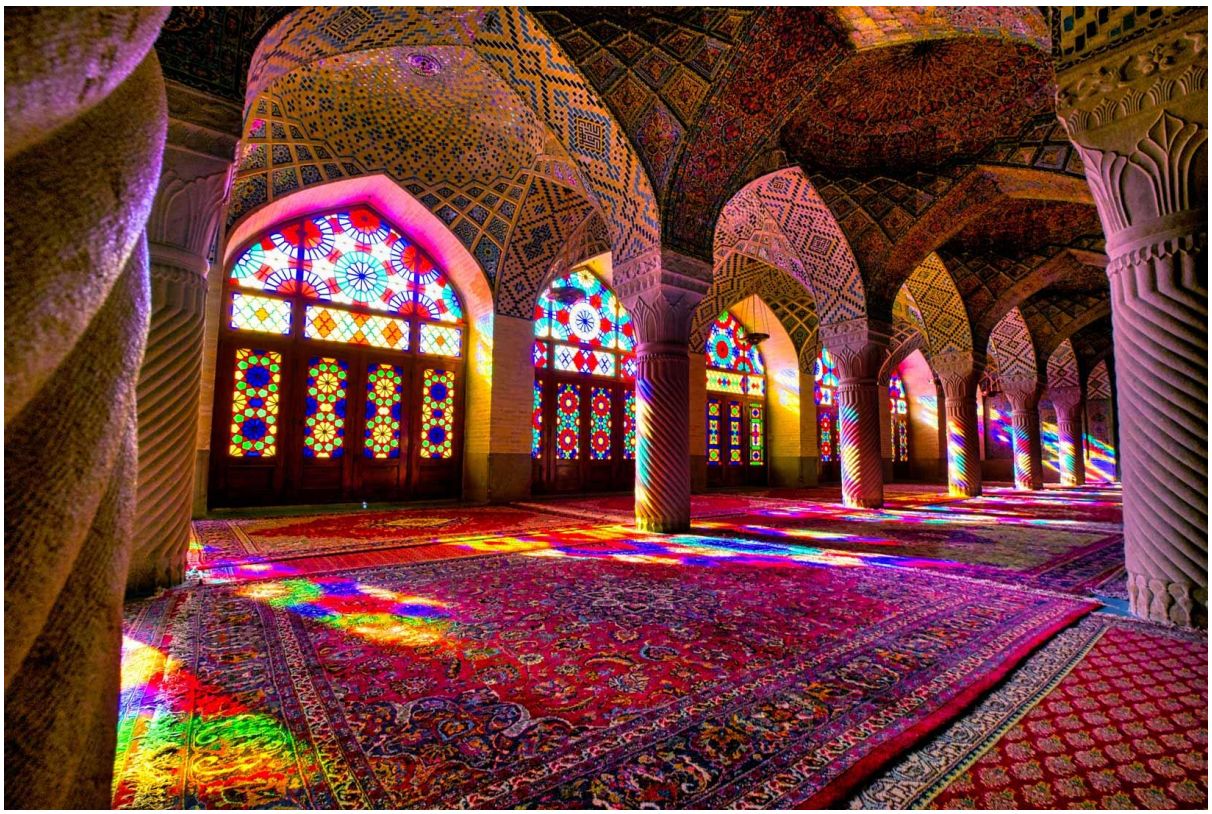

۲) انسجام و اقتدار سیاسی و اجتماعی

از قدیم گفته‌اند که یک‌دست صدا ندارد. امیرمؤمنان علی (ع) نیز قدرت الهی را در بازوان توانمند جمع و گروه دانسته، می‌فرماید:

«فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ»[۳]

به همین جهت است که مسجد، نماد انسجام و اقتدار مسلمین و نماز جماعت، مظهر تمام‌عیار آن است. جوان مسجدی می‌داند که صفوف متراکم و یکپارچه نمازگزاران، تفرقه را می‌زداید و ترس در دل دشمنان می‌افکند. منافقان را مأیوس می‌سازد و خار چشم بدخواهان است. پیامبر خدا (ص) می‌فرماید:

---

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۸۰

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷

«سَوُّوا بَیْنَ صُفُوفِکُمْ وَ حَاذُوا بَیْنَ مَنَاکِبِکُمْ لَا یَسْتَحْوِذْ عَلَیْکُمُ الشَّیْطَانُ». [٤]

صف‌هایتان را منظم کنید و دوشبه‌دوش هم بایستید تا شیطان بر شما مسلط نگردد

۳) همدلی، برادری و محبّت

مسجد، محل اجتماع مسلمین و مکان دیدوبازدید روزانه مؤمنان است. رفت‌وآمد پیوسته به مسجد، روابط اجتماعی مؤمنان را بیشتر و همدلی و اخوت را میان آن‌ها افزون می‌سازد. این صفا و صمیمیت و همدلی سبب می‌شود تا جوان مسجدی از مشکلات و نیازهای مردم پیرامون خودش، آگاه باشد و یاد بگیرد که نباید از کنار ناراحتی‌ها و دغدغه‌های دیگران به‌راحتی بگذرد و چاره‌ای برای آن نیندیشد.

۴) مدارا

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی اجتماعی اسلام، مدارا و تحمّل دیگر شهروندان جامعه است. مدارا، از تنش‌های بی‌حاصل اجتماعی می‌کاهد و از همدلی و یکپارچگی مراقبت می‌کند. مسجد و نماز جماعت، بهترین تمرین برای مدارا با یکدیگر است.

جوانان مؤمن مسجدی، باید بیاموزند که خود را با روحیات و شرایط دیگران هماهنگ سازند و با ملاطفت و مدارا در کنار مردم به‌سوی پروردگارشان پرواز کنند. پیامبر خدا (ص) می‌فرماید:

«أَخْیَارُکُمْ أَلْیَنُکُمْ مَنَاکِبَ فِی الصَّلَاةِ». [٥]

بهترین شما، مهربان‌ترین کتف‌ها در نماز جماعت است.

۵) نظم اجتماعی

شاکله یک نظام اجتماعی، با انضباط و هماهنگی، سامان می‌پذیرد و بدون آن، اجتماع بی‌معنا و ازهم‌گسسته خواهد بود. مسجد تبلور یک نظم اجتماعی کامل است. نوبت‌های منظم و پی‌درپی نماز جماعت، صف‌های یکدست و مرتب، اعمال و حرکات و اذکار و اورادی که توسط همه نمازگزاران به‌صورت هماهنگ انجام می‌شود، حاکی از یک نظم ساختاری و تربیت‌کننده است. این برنامه و ساختار منظم به جوان مسجدی نشان می‌دهد که هر چه نظم در جامعه بیشتر باشد، پیشرفت، اقتدار و کمال

٤. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳
٥. الجعفریات، ص ۳۵

جامع

ه افزون خواهد شد. رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در مورد ارزش صفوف یکپارچه مسلمانان، می‌فرماید:

«أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِی فِی الْأَرْضِ کَصُفُوفِ الْمَلَائِکَةِ فِی السَّمَاءِ». [٦]

اما نماز جماعت؛ همانا صفهای امت من که در روی زمین برای جماعت بسته شود، مانند صفهایفرشتگان در آسمان است.

۶) وقت‌شناسی

توجه به عنصر زمان، یکی از عوامل پیشرفت فرد و جامعه است که به طور معمول در بر نامه‌های مسجد لحاظ می‌شود. برگزاری نماز جماعت اول وقت، مهم‌ترین برنامه مسجد است که قطعاً تمرین وقت‌شناسی به‌حساب می‌آید. جوان مسجدی می‌داند که فضیلت نماز جماعت به برگزاری آن در اول وقت آن است. او با اینکه می‌تواند با تأخیر و به‌صورت فردی و در مکانی جز مسجد، نماز بخواند، اما آگاهانه و با برنامه‌ریزی و وقت‌شناسی، تلاش می‌کند که از این فضیلت بزرگ باز نماند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

٦. الخصال، ج ۲، ص ۳۵۵

«إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»[۷]

همانا برتری نماز اول وقت نسبت به آخر وقت، همانند برتری آخرت نسبت به دنیا است.

۷) قانون‌مداری

برگزاری نماز جماعت در مسجد، ضوابط خاص خود را دارد که خود حاکی از یک نظام قانونمند و دقیق است. کسی که به رکوع نماز جماعت نرسد، باید اندکی انتظار بکشد و سپس به رودخانه خروشان مؤمنان بپیوندد. جوان مسجدی در پس این قوانین، می‌آموزد که گاه باید پشت چراغ‌قرمزها انتظار کشید و سپس به جریان زندگی متصل شد. جوان مسجدی، می‌داند که قانون هیچگاه سبب جاماندن و عقب افتادن نخواهد شد؛ زیرا آنچه که مهم است، همراه بودن با جریان جامعه و قرارگرفتن در حرکت پرخروش مردم است. او در نماز جماعت آموخته است که حتی درک یک رکعت از نماز، او را به مطلوب خواهد رساند.

بنابراین قدری صبر و تحمل و احترام گذاشتن به حقوق دیگران در سایه قانون‌مداری، چیزی از کمالات او کم نمی‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

۷. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴

«مَنْ أَدْرَکَ الامَامَ وَ هُوَ فِی الرَّکعَةِ الاخِیرَةِ فَقَدْ أَدْرَکَ فَضْلَ الْجَمَاعَةِ»

هر کس در نماز جماعت، رکعت آخر نماز را درک کند، قطعاً فضیلت نماز جماعت را درک کرده است.

۸) پیشتازی و سبقت در خوبی‌ها

مسابقه و شتاب در کارهای خیر، از تعالیم دینی ما است. قرآن، در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران «سارِعُوا إِلی مَغْفِرَه مِنْ رَبِّکُمْ» با تعبیر و در سوره حدید آیه ۲۱ «سابِقُوا إِلی مَغْفِرَه مِنْ رَبِّکُمْ» : با تعبیر به آن [۹] فرمان داده است. این قانون الهی در نظام مسجد، جایگاهی ویژه یافته است. امام کاظم (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ الصَّلاةَ فِی الصَّفِّ الاوَّلِ کَالْجِهَادِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ»[۱۰]

همانا نماز در صف اول جماعت چنان ارزشی دارد که همانند جهاد در راه خدا است.

جوان در نظام اجتماعی مسجد، به این نتیجه می‌رسد که فقط خوب بودن، کافی نیست؛ بلکه باید تلاش کرد تا از جمله بهترین‌ها باشد.

۹) شایسته‌سالاری

مسجد، سرای سبقت و شتاب است؛ اما باید توجّه داشت که این مسابقه‌ای برای کسب قدرت، جایگاه و ثروت نیست؛ بلکه شتاب، برای رسیدن به صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها است. در مسجد، تنها معیار پیشوایی و پیشتازی، صلاحیت و شایستگی است. نمونه بارز این امر، در انتخاب امام جماعت تبلوریافته است. ملاک انتخاب امام جماعت در روایات اهل‌بیت (ع) ، با واژه بیان شده است که همگی نشانگر شایسته‌سالاری است. «أَقْرَؤُهُمْ لِکِتَابِ اللَّهِ و افضل افقه»[۱۱] اعلم‌هایی همچون بنابراین جوان مسجدی می‌داند که برای دستیابی به هر جایگاهی، ابتدا باید صلاحیت آن را کسب کند؛ نه اینکه برای رسیدن به میزها، پست‌ها و جایگاه‌های اجتماعی و سیاسی، خود را در یک مسابقه منفور دنیوی بیندازد. آن‌چنان‌که حتی برای ایستادن در صف اول نماز جماعت در مسجد، شرایطی وجود دارد که همگی نشان از شایسته‌سالاری است. امام باقر (ع) می‌فرماید:

«لِیَکُنِ الَّذِینَ یَلُونَ الْإِمَامَ أُولِی الْأَحْلَامِ مِنْکُمْ وَ النُّهَی»[۱۲]

سزاوار است در صف اول، آگاهان و پرهیزکاران بایستند.

---

۸. الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۸
۹. حدید، ۲۱
۱۰. الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۵
۱۱. وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۳۴۶
۱۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۲

۱۰) عدالت اجتماعی

مسجد، برای همه اقشار مردم است و هیچکس در مسجد جایگاهی متفاوت و متمایز نسبت به دیگران نخواهد داشت. قرآن در مورد کعبه می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذی ببَكَّةَ مُبارَكاً» [۱۳]

نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه قرار دارد.

هیچ فرد یا گروهی در مسجد، حقّ یکه‌تازی و اعمال‌نظر ندارند. مسجد برای گروهی خاص از جناح‌های سیاسی و یا گرایش‌های قومی و قبیله‌ای بنیان گذاشته نشده است. هیچکس حق ندارد، جایگاه شخص دیگری را حتّی اگر کودک، فقیر یا ضعیف باشد، بدون اجازه او تصرف کند و اگر چنین کرد، به بطلان نماز او منتهی خواهد شد. اگر یک غریبه وارد مسجد شود، می‌تواند در اولین صف نماز قرار گیرد و هیچکس حق ندارد، او را منصرف کند. این‌ها گوشه‌های از عدالت اجتماعی در محیط مسجد است که می‌تواند سرمنشأ تسرّی آن در تمامی جامعه اسلامی باشد.

۱۱) ولایت‌پذیری

پیروی از امام جماعت در مسجد، امّت و امام مسجد، نماد حضور همیشگی در صحنه‌های اجتماعی و پیوند دائمی است. به دلیل دارابودن شایستگی‌های علمی و ایمانی، امری عاقلانه، آگاهانه و از روی رغبت و میل باطنی است. جوان مسجدی می‌آموزد که رشد جامعه در گرو شناخت و پیروی از رهبری است که قطعاً شایستگی‌های علمی و ایمانی او بر خبرگان جامعه مشهود و روشن گشته است. جوان مسجدی می‌داند که رشد او در سایه نزدیک شدن به تفکّرات رهبری جامعه خویش است. چراکه تفکّرات امام جامعه، ریشه در مبانی دینی داشته و ارتباط با وی همان ارتباط با دین خدا است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوَّلُهَا وَ أَفْضَلُ أَوَّلِهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ» [۱۴]

بهترین صف‌ها، صف اول نماز جماعت است و برترین جایگاه در صف اول، نزدیکترین آن به امام جماعت است.

---

۱۳. آل عمران، ۹۶
۱۴ الکافی، ج ۳، ص ۳۷۲

بررسی راهبردی مدارس مسجد محور مشهد

به نام خدا و به یاد خدا

همانطور که می‌دانید از لوازم هر تشکیلات و سازمان مردمی در ابتدای راه و در بدو تأسیس، شناخت کامل حلقه‌های میانی خود و آشنایی با اصول و مبانی آن‌هاست. پر واضح است که ستاد تازه تشکیل مدارس مسجد محور نیز از این قاعده مستثنی نیست، پس بر آن شدیم تا در آغاز راه و با استعانت از علی ابن موسی الرضا (ع)، مشهد را نخستین مقصد سفرهای رصد و شناسایی خود قرار بدهیم. از مهم‌ترین دلایل انتخاب شهر مشهد، قدمت مدارس مسجد محور مشهد بود که با توجه به دانسته‌های قبلی و شنیده‌های دوستان در دبیرخانه مرکزی، مشهد در ذهن اعضای ستاد به عنوان پایتخت مدارس مسجد محور و محل تولد آن خود نمایی می‌کرد، پس مقصد اول را معیت در کنار امام هشتم قرار دادیم تا با گوشه چشم ایشان بتوانیم قدمی در این مسیر پرفراز و نشیب برداریم.

مختصات سفر

به دلیل اهمیت رصد و شناسایی عرصه میدان و با توجه به آنکه اعضای ستاد مرکزی پیش از این تجربه مشابهی از رصد مدارس در سطح کلان نداشتند، برآن شدیم تا سفر را با حضور همه معاونین از جمله معاونت عملیات، معاونت راهبردی و علمی و معاونت رسانه برنامه ریزی کرده و به عنوان محملی برای کسب تجربه به آن بنگریم.

سفر با حضور ۴ نفر از اعضا ستاد مرکزی و در دهه اول محرم الحرام سال ۱۴۰۱ هجری شمسی انجام شد.

در این سفر با توجه به لیست ارسالی توسط دبیرخانه مشهد، انتظار و برنامه ریزی جهت بازدید از ۲۰ مدرسه را داشتیم که متأسفانه به دلایل مختلف این امر میسّر نشد و در پایان، از ۱۳ مدرسه بازدید میدانی به عمل آمد.

ویژگی‌های مدارس مسجدمحور مشهد

استان خراسان رضوی و به خصوص شهر مشهد مقدس از دیرباز، در امور مختلف فرهنگی و حوزه های تعلیم و تربیت پیشتاز بوده است. می‌توان مشهد را پایتخت ابتدایی مدارس مسجدمحور و محل رشد و گسترش این مدارس دانست. از حدود ۱۸ سال پیش، آموزش به شیوه مسجدمحور در مشهد شروع شد و کم‌کم به شهرها و استان‌های دیگر نیز سرایت کرد. در حال حاضر در استان خراسان، حدود ۲۲ مدرسه مسجدمحور در حال فعالیت هستند که هرکدام از این مدارس الگوهای مختلفی را در حوزه های مالی، آموزشی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی و شغل و پیشه تدوین و یا دنبال می‌کنند.

از ویژگی‌های مدارس مسجدمحور مشهد می‌توان به مربی محور بودن این مدارس اشاره کرد. مربی در بیشتر مدارس مشهد، نقش محوری و اصلی آموزش و تربیت را ایفا کرده و الگوهای آموزشی و تربیتی در این مدارس وابسته به اندیشه‌ها و تفکرات معرفی پیاده سازی می‌شود.

ویژگی دیگر مدارس مسجدمحور مشهد، توجه به حفظ و قرائت قرآن است که در برخی از این مدارس، به عنوان برنامه اصلی قرار داده شده و مبنای آموزش قرار گرفته است.

با توجه به پهنه وسیع شهر مشهد و وجود مسئله حاشیه نشینی، برخی از مدارس مسجدمحور شهر مشهد فعالیت خود را در حاشیه شهر متمرکز کرده و برای سامان دادن به وضعیت فرهنگی و تربیتی این مناطق، اقدامات مهم و ارزشمندی انجام داده‌اند.

ایجاد شغل و آموزش مهارت‌های مختلف، کسب درآمد از طریق جمع آوری پسماند از طریق خانواده های مسجدی، تشکیل صندوق قرض الحسنه و ایجاد کمپ‌های ترک اعتیاد، برگزاری جلسات مشاوره و ... تنها

گوشه‌ای از فعالیت‌های مدارس مسجدمحور مشهد است که با قدرت در حال انجام و گسترش می‌باشد.

ویژگی دیگری که در مدارس مشهد قابل مشاهده بود، الگوی آموزش اکتشافی است؛ بدین صورت که استاد در کلاس درس مسئله را مطرح کرده و ذهن دانش‌آموزان را برای حل آن مسئله درگیر می‌کند. سپس دانش‌آموزان با روش‌های مختلف اعم از رجوع به کتب مختلف، جست وجو در فضای مجازی، پرسش از افراد خبره و یا تجربه عملیان مسئله، به وجود مختلف آن مسئله پی برده و برای حل آن تلاش می‌کنند. در مراجعه بعدی دانش‌آموزان به کلاس، هر دانش آموز با تجربه خاص خود در حل مسئله مذکور پای به کلاس درس گذاشته است و یک گنجینه خودساخته از راه حل‌های دانش آموزی شکل می‌گیرد.

در آخر مربی یا معلم، با جمع آوری روش‌های دانش‌آموزان در حل مسئله، روش مدّ نظر خود را پیشنهاد می‌دهد و دانش‌آموزان را به راه درست، رهنمون می‌سازد.

در مباحث مالی و تربیت اقتصادی، مدارس مسجدمحور مشهد اکثراً ورود غیرمستقیم به این موضوع داشته‌اند و با ایجاد پایگاه‌های اقتصادی مختلف در کنار فعالیت‌های مسجد و مدرسه، سعی بر درآمدزایی و کمک به حل مسئله مالی مدرسه دارند. ایجاد فروشگاه‌های مختلف در کنار مسجد و مدرسه، نانوایی، کشاورزی و جمع آوری پسماند از فعالیت‌های مختلف اقتصادی در مدارس مسجد محور شهر مشهد است.

جذب مربی از دانش‌آموزانی که در مجموعه‌های مسجدمحور رشد کرده‌اند و مفاهیم معرفتی اسلام و مبانی اصیل شیعی را آموخته‌اند، ویژگی بسیار مثبت مدارس مسجدمحور شهر مشهد است که شاید بتوان آن را به عنوان یک الگوی موفق و برتر به مدارس دیگر استان‌ها نیز سرایت داد.

واگذاری مسئولیت‌های مختلف و واقعی مدرسه به دانش‌آموزان، مسئله ای است که به طور قطع در غیر از مدارس مسجد محور سابقه ندارد. این موضوع به کَرّات در مدارس مسجدمحور مشهد مشاهده شد بطوریکه حتی در یکی از مدارس که گردش مالی بالایی هم دارد، تمامی امور مالی توسط یکی از دانش‌آموزان و پرورش یافتگان مدرسه انجام می‌گیرد و تابحال نیز به لطف خدا بدون هیچگونه مشکلی وظایف خود را کامل و جامع انجام داده است.

امیدواریم در آینده نزدیک، مدارس مشهد قطار رشد وپیشرفت جریان مسجدمحور کشور را با سرعت به پیش برده و همانند نقطه آغازین این جریان، نقطه قوت و پیشرفت آن نیز باشند.

به امید حضرت دوست، در آینده نزدیک اطلاعات طبقه بندی شده از مدارس مسجدمحور مشهد در اختیار مخاطبان قرار خواهد گرفت.

رویداد تجربه نوردی مدارس مسجدمحور-تفرش

بسم‌الله الرحمن الرحیم

یکی از وظایف اصلی ستاد مرکزی مدارس مسجد محور، رصد و شناسایی حلقه‌های میانی در سراسر کشور و کمک به تقویت، پیشرفت و رشد آن‌هاست.

در روزهای پایانی سال ۱۴۰۰، ستاد مرکزی در ادامه فعالیت‌های خود در زمینه شناسایی و رصد مجموعه‌ها، مجموعه استناره را در شهر تفرش شناسایی کرده و در یک سفر نیم روزه، زمینه آشنایی ابتدایی اعضای ستاد با آن مجموعه فراهم گردید.

با توجه به ظرفیت‌های بالای مدرسه استناره و لزوم آشنایی مدیران کشوری با الگوی اجرایی در این مدرسه، ستاد مرکزی در بهار ۱۴۰۱

اقدام به برگزاری دوره آشنایی با مدرسه استناره نمود و در این راستا حدود ۷۰ نفر از مدیران، مربیان و دست اندرکاران جریان مدارس مسجد محور در شهر تفرش و مدرسه استناره گرد هم آمدند.

همچنین در این دوره، حجت الاسلام والمسلمین حمید نیکزاد، دبیر ستاد همکاری‌های حوزه و آموزش پرورش / جناب آقای صادق یزدانی مدیر شبکه افق (معاونت سابق عملیات خاتم) و جناب آقای سجاد نیک منش معاون هماهنگ کننده بنیاد خاتم نیز حضور داشتند که حضور این عزیزان باعث خشنودی مدیران گرامی و همچنین سبب آشنایی آن‌ها با فضای مدارس مسجدمحور شد.

گزارش ذیل، شرح مختصری از سفر یک روزه به تفرش و گفتگو با دست اندرکاران مدرسه استناره است که در جهت بهره مندی از تجارب ارزشمند آن‌ها در این شماره از ماهنامه مدارس مردمی منتشر شده است.

دکتر دیلم: سلام علیکم و رحمة الله.

اولاً خوشحالیم که خدمت عزیزان هستیم و همچنین از طرف خودمان، ستاد مدارس مسجدمحور و هم از طرف دوستان مجموعه استناره -که البته خود عزیزان هم می‌آیند و هم مجموعه را معرفی می‌کنند و هم خوشامد عرض می‌کنند- به همگی خوش آمد عرض می‌کنیم.

امروز دوستان متنوعی اینجا داریم؛ از مجموعه‌های متنوع و از نقاط متنوع مانند بیرجند، رشت، سمنان، مشهد، اسلام‌شهر، شهریار، تهران و...

اصل ماجرا از این قرار بود که بعد از اینکه با مجموعه استناره آشنا شدیم و دیدیم که دوستان مجموعه استناره، از ظرفیتی برخوردارند و استفاده می‌کنند که بسیار برایمان جالب بود و دوست

داشتیم سایر مجموعه‌های کشور هم با این طرح‌ها آشنا شوند و در دیدارها و گفتگوها تصمیم گرفتیم این‌ها را در یک برنامه تجمیع بکنیم.

ما یک جدول زمان‌بندی داشتیم منتها آقای نیکزاد فرمودند که ما برنامه‌ای در تهران داریم؛ لذا برنامه ما را برای صبح بگذارید. به محض تشریف ایشان، در خدمتشان خواهیم بود.

در خدمت دوستان مجموعه استناره هستیم با ذکر صلوات. البته در اصل من باید اینجا معرفی اجمالی کنم منتها چون کامل نمی‌شناسم؛ آقای ستاری، هم خود را و هم دوستان، بحث برنامه‌ها، مدرسه و ... را معرفی کنند.

آقای حسین ستاری (از مسئولین مدرسه استناره)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خوش آمد می‌گویم خدمت همه عزیزان. امیدوارم که این صحبت‌ها مفید فایده باشد. ما حدود بیست سالی می‌شود که در خدمت خانم قهرمانی و آقای دوستدار هستیم و از لحاظ معنوی و مادی مدیون این دو بزرگوار هستیم. فقط قصدم این است که جمع‌مان را سریع معرفی کنم.

شش نفر از بچه‌ها در مدرسه هستند. سه‌تایشان پسرها و سه‌تایشان دخترها هستند. یکی‌شان یحیی است که پسر خودم است و دیگری یحیی پسر آقا عباس که شوهر خواهر بنده هستند و ما تا کنون حدود ۷ سال است که از تهران به تفرش آمده‌ایم و سالیان سال در کشور گشتیم تا اینکه تفرش قسمتمان شد.

دکتر دیلم: دنبال چه بودید؟

آقای ستاری: هرجا به غیر از تهران. ولی اینکه کجا برویم ملاک‌های مختلفی را سنجیدیم.

یکی از ملاک‌هایمان، نزدیکی به تهران و قم بود و همچنین آب و هوا و اهالی آن که مؤثر بودند. بعد از قضیه کرونا دوستان به ما اضافه شدند. پسرهای آقای طباطبایی و آقا آرمان که سه پسرهای مدرسه محسوب می‌شوند و دیگری آقا مهدی پرویزی که از دوستان قدیمی ما هستند که از سالیان سال، آن‌ها را می‌شناختیم. آقای باقری هم که دخترشان را اینجا ثبتنام کرده‌اند. غیر از این، سابقه طولانی‌تری هست که قبل از انقلاب، حاج‌آقای دوستدار و خانم قهرمانی از اول انقلاب در کار تعلیم و تربیت بودند که از همان اول شروع به کار کردیم و تقریباً در تهران هر مدرسه معروفی که هست مثل ادب، تزکیه و ... را شناختی کامل از فعالیت‌هایشان داریم و اینکه خودمان هم فعالیت‌هایی در تهران داشتیم. به علاوه اینکه جمع بزرگتری از ما بیرون از ایران در کشورهای مختلف‌اند چندین‌بار به عنوان مهمان آمدند و در همین سبکی که ما کار می‌کنیم فعالیت دارند؛ مانند هند، مالزی، مکزیک و برخی کشورهای عربی.

خود من که اول، در تهران علوم سیاسی خواندم و با آقا حمیدرضا و برادرش شش سال مالزی درس خواندیم. فوق لیسانس رشته‌ای که خود، میان رشته‌ای بود را خواندیم که هم فلسفه علم بود و هم سیاستگذاری علم و جایی متفاوت بود و من رساله را تکمیل نکردم و رها کردم. این بود بخشی از تاریخچه کاری ما.

در باره تفرش آمدن هم دلیلش این بود که در تهران ظلم واقعی که انجام می‌شود، در حق بچه‌ها صورت می‌گیرد. در تهران دیگر بیش از این ممکن نبود؛ یعنی ما اصلاً از همان اول، قصدمان این بود که به تهران برنگردیم. مالزی هم که بودیم جمعی آنجا بودند به نام آقای محمد. جمع بزرگی بودند که حدود ۷۰ سال، کارهای مردمی می‌کردند مانند همین کارهای جهادی که ما انجام می‌دهیم. مثل رسیدگی به روستاها و رسیدگی به وضع کامیون‌داران و ... . یکی از افراد دیگری هم به نام آقای عزمی بود که ایشان هر ماه رمضان، جوانان را اردوی جهادی به غزه می‌برد که از راه قطر عبور می‌کردند و به غزه می‌رفتند.

دکتر دیلم: اینجا چه افرادی جمع شده‌اند؟

اول از همه که فراموش کردم، آقا سید است که با ایشان آشنا شدیم که با جوانان و از قبل با بچه‌ها کار می‌کردند. ایشان هم خطاط و هم طراح‌اند و کارهای جالب و قشنگی انجام می‌دهند و بخشی از موفقیتمان از طریق آشنایی با ایشان صورت گرفت.

آقای طباطبایی هم که معلم‌اند و در دبیرستان‌های تهران کار می‌کنند و خودشان‌هم فیلم می‌سازند و کارهای جانبی انجام می‌دهند. ایشان خیلی با ذوق و فعال‌اند.

ایشان هم که با ما هم‌درس بودند و در رساله دکتری‌شان در مورد دو موضوع کار کرده‌اند: یکی: کشتارگاه‌ها و دیگری قصابی‌ها؛ و کشتارگاه از همان جهت روند ماشینی که کشتارگاه‌های تهران را سرمی‌زدیم؛ موضوع از این قرار بود که فعالیت‌های ما بر ضد قضیه ماشینی بودن صورت می‌گرفت.

من فوق لیسانسم که در مالزی بودم، قانونی که مهاتیر محمد وضع کرده بود (که در ایران خیلی معروف نیست و تصویر غلطی از ایشان است) این بود که ریاضی و فیزیک حتماً باید به انگلیسی تعریف شود. در تمام مدارس چند سالی این کار را اجرا کردند و به یک موضوع سیاسی-اجتماعی تبدیل شد و تظاهراتی را در پی داشت که این قانون را برداشتند.

من بعدها رفتم و با معلمینی که در آنجا بودند ارتباط برقرار کردم و به این نتیجه رسیدم که خیلی متنوع بودند؛ هم تنوع مذهبی دارند و هم انواع ادیان و تابعیت‌ها و چندین و چند مدل مدرسه در مالزی هست. با معلمان در رابطه با این قضایای انگلیسی شدن ریاضی و فیزیک صحبت کردم.

یکی از حضار، آقا محمد محبی هستند که خیلی با ایشان کار می‌کنیم و بخش علوم را در قسمت نجوم و فیزیک و هندسه تقریباً یک سال با ایشان کار می‌کنیم و واقعاً خودجوش و باهمت عالی این متون قدیمی را کار می‌کنند؛ هم به‌صورت مجازی و هم حضوری.

در این دوسال خیلی پیش رفتند و این کتب هندسه‌ای که درست کردند همه متکی بر اصول خودمان است. خانم‌هایمان‌هم همه هستند که خانم بنده مثلاً با دختران، بحث خانه‌داری و زندگی را کار می‌کنند و خانم آقای حمیدرضا با بچه‌ها سفال کار می‌کنند و خانم آقای طباطبایی با پارچه کار کرده‌اند و جمعی که هستیم درواقع حدود ۱۴ معلم هستیم و شش بچه هستند.

این بچه آقای سید هستند که بحث ترکیب موضوع جنگ با ادبیات مقاومت را انجام می‌دهند؛ یعنی فرض کنید دوره شروع جنگ را از یک طرف تمرکز کرده‌اند که خیلی از این کتب، شهریور ۵۹ را نقد کرده‌اند و وقتی که این کتب را تلفیق می‌کنیم و کنار هم می‌چینیم به چیزهای خوبی به دست می‌یابیم.

این خاطرات مختلف، وقتی کنار همدیگر جمع می‌شوند و تلفیق می‌شوند به چیز جالبی دست یافته می‌گردد و آن با تاریخ جنگ دارد ترکیب می‌شود.

چون بچه‌ها دارند سوره طه را حفظ می‌کنند و داستان حضرت موسی را دارند می‌خوانند، در سوره طه وقتی بحثشان آغاز می‌شود سعی کرده‌ایم که نزدیک شود و فضای جنگ و ادبیات مقاومت را در مورد آن باهم صحبت کنیم. این کار آقا طه است و خانم شریفی که کار حفظ را با بچه‌ها کار می‌کنند. مثلاً یحیی ما، چون که ما فارسی و قرآن را باهم شروع می‌کنیم، الآن قرآن را زودتر از فارسی فرا گرفته است. ایشان هم همان کار محتوایی را با بچه‌ها می‌کند. ایشان زحمت آن را می‌کشد. آقای پرویزی هم که ایشان هم طلبه بودند و اهل فلسفه و حکمت هستند و با بچه‌ها قرآن و فلسفه و حکمت کار می‌کنند و با سبک ایشان، بدایه را نیز با بچه‌ها کار می‌کنند. مهمتر از همه، خانم قهرمانی

هستند که همه درواقع شاگرد ایشان هستیم. خود ایشان انگلیسی را دارند کار می‌کنند ولی با یک زبان خاص.

ایشان نگاه متفاوتی به زبان دارند (علی الخصوص به انگلیسی). چندسال پیش که در مورد صحبت ایشان مقام معظم رهبری نظر دادند که؛ این زنجیره را دنبال کنید. حاج‌آقای دوستدار هم که از قدیم در مازندران، رئیس دانشگاه بودند و چند سالی در مرکز همکاری‌های بین المللی وزارت علوم بودند. این آقایان هر کدام در رشته‌های مختلف‌اند که خیلی ضد تمدن غرب‌اند. اگر بشود با این بچه‌ها هم همینطور کار شود خیلی مفید است. پس از آن هم در مرکز نشر دانشگاهی بودند و الآن هم که رشته‌شان عمران است و چون تخصصشان زلزله و سازه است با بچه‌ها در این زمینه کار می‌کند.

از دمشق هم کسی را داریم به نام آقا محمد برقوقی که خیلی دنبال ایشان بودیم و هم‌اکنون ایشان در قم مشغول‌اند و سه‌روز آخر هفته با بچه‌ها عربی کار می‌کنند البته با خودمان هم همین‌طور. (هم عربی شامی و هم قرآنی) چون علمشان مفید است. تقریباً تمرکز اصلی را هم از جهت کمی و هم کیفی روی عربی گذاشته‌ایم که خیلی مسئله مهمی است. غیر از این‌ها با خیلی از افراد هم ارتباط داریم که می‌آیند و با خانم قهرمانی کار می‌کنند. خود خانم‌ها جلسه دارند و باهم در ارتباط هستند. مثلاً کار پارچه بافی را انجام می‌دهند و آقاحمیدرضا از جهت علمی از کار ما جدا شدند و در طب ایرانی اسلامی مشغول هستند و در شهر هم رابط جدی و قوی از لحاظ سلامت هستند.

سؤال یکی از حضار: سؤالی که پیش می‌آید این است که این همه انرژی و تخصص همه برای شش نفر دارد استفاده می‌شود؛ یعنی تنها هدف شما ۶ نفر است؟

جواب: خیر؛ هدف ما ۶ نفر نیست؛ و این هم دلایلی دارد؛ یکی اینکه اینجا خیلی کوچک است و دیگری اینکه همین‌طور هم که خیلی بی‌سروصدا هستیم همه ما را می‌شناسند. آنانی که در جاهای کوچک زندگی کرده‌اند این را می‌فهمند. اگر خیلی بخواهیم گسترش بدهیم حتماً آموزش و پرورش سراغ ما خواهد آمد. ما همین تجربه را در مورد طب داشته‌ایم و اخیراً از طرف بهداشت آمدند و جزئیاتش را نمی‌خواهم بگویم.

سؤال: در مورد مالزی توضیح می‌دهید؟

مالزی بحث جداگانه‌ای دارد؛ لیکن آن جمعی که با ایشان کار می‌کردیم خیلی مؤثر بودند؛ و واقعاً مثل یک خانواده باهم نزدیک شده بودیم. مثلاً این آقای محبی نزدیک به ۸۰ سالشان شده است.

سؤال یکی از حضار: شاید این روحیه مقاومت را از آنجا به همراه خود آورده‌اید.

جواب: نه؛ حتی قبل از رفتن به مالزی هم هفت یا هشت سال که خدمتشان بودم این روحیه و زبان مقاومت را داشتند؛ و ریشه اسلامی و دینی دارد.

سال ۸۰ بود که خدمتشان رفتم در مؤسسه‌ای در تهران که همین‌طور با ایشان ارتباط گرفتیم.

دوسال پیش در زمان میلاد پیامبر که درباره کاریکاتور (در فرانسه) فضایی به وجود آمد.

ما کاری که با بچه‌ها کردیم این چند عنوان را درست کردیم: «برکت کسب و کار من از برکات صلوات بر محمد است.» دیگری نوشته است که: «به این مغازه خوش آمدید که برای یکی از عاشقان محمد است.» رفتیم در شهر و این‌ها را بر شیشه مغازه‌های شهر زدیم.

دکتر دیلم: چون حاج‌آقای نیکزاد آمدند و تشریف می‌برند؛ این مقدمه و آشنایی اجمالی بود و بعدازظهر ان‌شاءالله صحبت مفصلی خواهیم داشت. خوش‌آمد عرض می‌کنم خدمت حجت‌الإسلام و المسلمین نیکزاد، مشاور وزیر و دبیر ستاد همکاری‌های حوزه و آموزش‌وپرورش.

ما در این سال‌ها که مشغول مدارس مسجدمحور بودیم انواع و اقسام مدارس را دیده بودیم و با دوستان مختلف گفتگو کرده بودیم از سطح وزراء گرفته تا معاونین آموزش‌وپرورش.

بین دوستانی که در آموزش و پرورش بوده‌اند نکته‌ای که وجود داشت و دارد این است که خب؛ آقایان برایشان یک حرکت مردمی در جهت تعلیم و تربیت است و اینکه تلقی غالب و رسمی از بحث تعلیم و تربیت، یک بحث حاکمیتی است که باید ارگان‌ها عهده‌دارش باشند؛ خصوصاً سازمان‌ها. اولاً اینکه معتقدند که تعلیم و تربیت، بحث نهادی است و دوم اینکه تعلیم و تربیت، بحث سازمانی است. وقتی تعریف متفاوت شود شکل کار هم متفاوت می‌شود. ما به عنوان مدارس مسجدمحور، اول اینکه سروصدایی نبود و کاری با مسئله نداشتند و اندکی که کار بالا گرفت و ستاد به وجود آمد و تعداد دوستان زیاد شد، از آن مرحله به بعد، چندین مرحله را با دوستان آموزش و پرورش و به خصوص وزارت گذرانده‌ایم که غالبش، رویه‌های تقابلی است از اینکه در شورای

عالی، کمیسیون تشکیل دهند بگیرید تا بحث حراستی و بحث‌های مختلف دیگر که در دولت قبل، خیلی هم این قضیه عجیب نبود. بعد در این دوره جدید مثل همه حوزه‌ها که ... من مقدمه شدم تا از سخنان حاج اقای نیکزاد بهره ببریم.

به دلیل پاره‌ای از مسائل و صلاحدید ستاد مرکزی و ایضاً درخواست جناب آقای نیکزاد، متن صحبت‌های ایشان منتشر نخواهد شد.

...ادامه صحبت‌های آقایان ستاری و طباطبایی از مسئولان مدرسه استناره:

خب؛ این در همه حوزه‌ها و همه دروس و همه علوم هست؛ این یک نکته بود و اینکه می‌فرمایید یک بچه در بدو ورود به جمع ما می‌آید، آن چیزی که میان ما اتفاق می‌افتد؛ انگار که کارهای عملی، تحقیقی و ... که با همه داریم، بچه در کنار ما همه این کارها را تجربه می‌کند و این‌ها در یکی کمتر و در یکی کمتر ظهور می‌یابد. می‌شود در حالت مباحثه به آن پرداخت.

سؤال: اگر خواست بیشتر بماند می‌تواند بماند؟ تا الآن چون بچه‌ها بیشتر، خواندن و نوشتن را یادگرفته‌اند و قرآن را نیز همین‌طور، تمایز خیلی زیادی نبوده است. ممکن است که بچه‌ای یک درس را بیشتر بیاید و درسی دیگر را کمتر. نکته‌ای که می‌شود روی آن به شکل پررنگ کار کرد بحث وفا است و مغفول عنه است و مثال سطحی آن، فرار مغزها است که کسی را تربیت می‌کنی و این شخص، شما را رها می‌کند و می‌رود و یا اینکه این مدارس مذهبی با کلی مشاکل، این بچه‌ها را تربیت می‌کنند و من خودم در چنین مدرسه‌ای در تهران که رفتم، الآن که فارغ التحصیلان خود را که می‌بینیم (هم دوره‌ای‌های خود را) یک وضع آنچنانی دارند. یا حتی در مورد حوزه همین‌طور هست دیگر.

خب؛ این ریشه‌اش چیست؟ یعنی بی‌وفایی؛ یعنی کلی خدمات به او می‌دهی و این انباشته را جایی دیگر می‌برد یا دور می‌اندازد. نکته‌ای که دارد و تأکیدی که داریم ریشه است. مثلاً درختی که اینجا هست؛ اگر سرمایی بزند و خشک شود لیکن اگر ریشه‌اش سالم باشد سبز می‌شود، چون ریشه‌اش وفادار و سالم است؛ علی‌رغم فراز و نشیب‌ها، هنوز شکوفایی در آن هست؛ اما اگر ریشه خشک شود دیگر چنین چیزی در کار نیست. ما خودمان سعی و نگاهمان این است که این وفا چگونه می‌تواند محقق شود. آن چیزی را که روی آن خیلی تکیه داریم شذراة آیت الله شاه آبادی ستاد امام است که وارد بحثش نمی‌شوم اما منظورم این نکته‌ها با انصراف از آن بحث شذرات است. پنج‌تا نکته است که از روی آن می‌خوانم و وقت دوستان را نمی‌گیرم.

سؤال: چرا شذرات؟

ببینید در مسئله شذرات عصاره فکر حضرت امام و انقلاب در شذرات هست؛ یعنی هم نگاه عرفانی و هم نگاه اجتماعی و سیاسی که به آن نگاه اسلامی و عرفانی تلفیق شده است.

سؤال: خودتان به این رسیدید یا اینکه بعداً رفتید سراغش و به آن رسیدید؟

نه؛ توصیه شخص خاصی نبوده و چیز جدیدی نیست و مال امروز نیست و شش هفت سالی است که دائماً تلاش کرده‌ایم آن را در عمل پیدا کنیم و به آن عمل کنیم؛ همان مسئله اخوت که انس و عزت و کمال را مطرح کرده‌اند. البته بعضی از آن مطالب در نوشته‌های ما هستند؛ مثل داستان گره.

سؤال: شما به قضیه شذرات رسیدید و مقایسه شذرات. درست است؟

یک بُعد آن، تکیه به خود حضرت امام است؛ یعنی ما از قدیم روی حضرت امام و صحیفه امام خیلی روی آن کار کردیم و به تبع آن، سراغ حضرت آقای شاه‌آبادی رفتیم و شذرات، نگاه سیاسی و اجتماعی، گرچه خیلی خلاصه است ولی خیلی عمیق است. یک مدتی چون طولانی شده هیچ پدیده سیاسی و اجتماعی نیست که شما با آن چارچوبی که در آن بودیم خیلی کار کنیم که اصل قضیه کجاست؟

جمع‌های زیادی بودند در این شذرات که دور می‌چرخند. من شنیده‌ام که آقای پناهیان، شذرات را می‌گویند. اصلاً ربطی نداشته است. قبل از اینکه آقای پناهیان بفرمایند بوده است.

ببینید؛ پنج تا ضرب‌المثل که یکی از آن‌همان کوزه است: از کوزه برون تراود هرآنچه در اوست؛ که این را آقای شاه‌آبادی مقابل آیه «کلّ یعمل علی شاکلته» قرار دادند. این به نظر می‌آید که بحث، خیلی اساسی است که خدمت شما عرض خواهم کرد که این درواقع هر کسی که هست هرآنچه که از درونش بیرون می‌آید همان چیزی است که درونش است و ما این طرح بحث و برنامه آموزشی و این همه تشکیلاتی که الآن ما سرگرم آن هستیم، رنگ و لعاب روی کوزه است. الآن هیچ تأثیری در کوزه نمی‌گذارد. این‌ها همه رنگ و لعاب روی کوزه است؛ یعنی شما طرح درستان را و برنامه درسی‌تان را عوض کنید. این‌ها هیچ‌کدام تأثیری در برنامه آموزشیتان نمی‌گذارد. آن چیزی که درون کوزه است بحثی دیگر است.

و آن چیزی که درون کوزه است مسئله تاریخی و دینی است که اعتقاد ماست. ما به عنوان ایرانی مسلمان، کوزه‌مان از آن پر است؛ یعنی از اسلام پر است که در آن هست و آن است که تراوش می‌کند.

منظور ما از کوزه، یکی خود معلم بچه‌ها است. با آن تجارب طولانی که در سالیان متوالی در تهران و ... که ساعات طولانی با معلمان داشته‌ایم، فهمیدیم که کار تربیت به هیچ جا نمی‌رسد مگر آنچیزی که در درون هر شخص است یک تغییر و تحولی در آن رخ دهد و آن رخ نخواهد داد الا اینکه مراجعه کنند به اساتید اصلی که خدمتتان عرض خواهم کرد.

لذا کوزه را در دو معنا می‌توان فرض کرد: یکی بحث فردی آن است و یکی دیگر، ملتی است که جمعاً کوزه است. مثلاً بگوییم کوزه ایران و اسلام. اگر ما سراغ آن موضوع اصلی برویم آن معلم تکان می‌خورد؛ یعنی مثلاً در مسئله زبان، این کتابی که در دست من است، سه کتاب است: نون و قاف و صاد؛ که سه‌تای آن باهم می‌شود نَقُصُّ که کلمه قرآن است که در جاهای مختلف آمده است. حالا این کتاب نون با الهام از منطق الطیر عطار است و قاف از شاهنامه فردوسی و صاد از مثنوی معنوی است؛ و برای اینکه کتاب‌ها ساخته شود از بین این سه کتاب انتخاب کرده‌ایم و الآن گزیده و مرجع خوبی است.

سؤال: در بحث زبان انگلیسی چه می‌کنید؟

ببینید این انگلیسی که بچه‌ها کار می‌کنند، فرض کنید این بیت‌های شاهنامه که اینجا هست به علاوه متن انگلیسی (که ترجمه نیست) با الهام از آن قصه، خودمان نوشتیم را می‌خوانند.

مربی ما الآن مثلاً بیست و خرده‌ای سالش بود که اصلاً شاهنامه نخوانده بود و به بهانه انگلیسی درس‌دادن باید شاهنامه درس می‌داد و باید شاهنامه را می‌خواند که انگلیسی درس دهد و خب؛ یعنی در این مدل که

به شاهنامه خواندن شروع کرد اصلاً تحولی از جهت فکری و شخصیتی برای ایشان بود و عاشق شاهنامه شد. این کوزه که می‌گویم یعنی کسی مثل فردوسی می‌تواند توی کوزه را عوض کند و کسی مثل سعدی می‌تواند چنین کاری را بکند. کسی مثلاً مثل حضرت امام است یا مثل ابن سینا که ما اصلاً نمی‌توانیم کوزه کاری بکنیم و ما مثل بچه‌هایی که خطی روی کوزه بکشیم و باید چیزی را باور کنیم که ما ها اصلاً اهل این کارها نیستیم و اصلاً آدم این کارها نیستیم و اگر برویم سراغ معلمین اصلی فرهنگ ایرانی-اسلامی، آن‌ها این کوزه را پر کرده‌اند و آن‌ها می‌توانند کوزه‌های ما را در آن تغییری ایجاد نمایند؛ و الا غیر از این همه سرکاری است؛ مثل مثالی که می‌گویند که بگذار درب کوزه و آبش را بخور، یعنی آن کاری که می‌کنیم به‌درد نمی‌خورد؛ یعنی این که ما تمرکزمان را روی این نهاده‌ایم که اصل کارهایی که بچه‌ها انجام می‌دهند این یک اصلی است که به هیچ وجه من الوجوه از آن کوتاه نخواهیم آمد؛ چه در هنر و چه در خط و ... عرض می‌کردم خدمت دوستان، سرمشق‌های خط بچه‌ها مثلاً استاد نیریزی برای عصر صفوی، خطاط قرآن بودند و عین آن خط را کسی دیگر درست کردند و همه‌اش قرآن است و خطی که بچه‌ها تمرین می‌کنند همه کلمات قرآن است و خطی که ایشان ۵۰۰ سال پیش نوشته‌اند. سرمشق خط بچه‌ها این است.

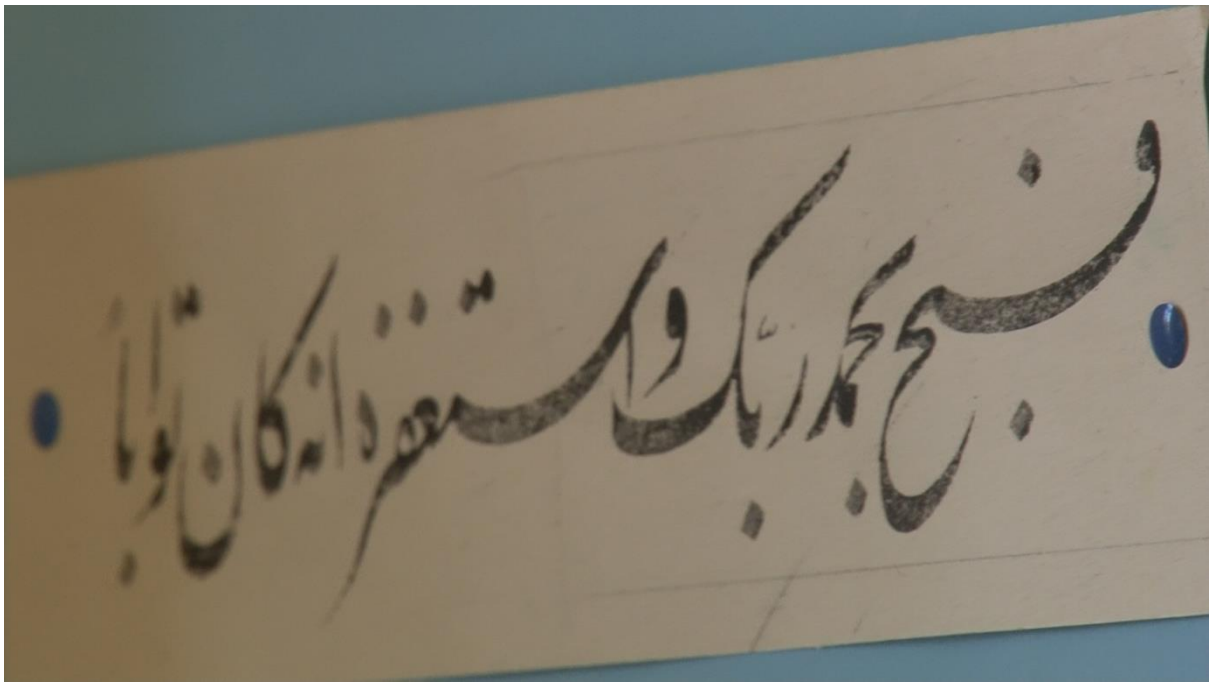

سؤال: ببخشید این کتاب زبان، کتاب سرمشق برای همه بچه‌های دانش‌آموز هست؟

بله.

سؤال: این شروعش است یا قبلش الفبا دارد؟

نه تقریباً در همان کتاب نون‌مان است یعنی این برای هفتم و هشتم و نهم بود و برای تزکیه که کار می‌کردیم معمولاً بچه‌ها الفبا را بلد بودند و گیر نداشتند.

سؤال: این الفبا را از کجا یاد گرفتند؟

پیشتر بچه‌های ۱۲ یا سیزده ساله قاعدتاً الفبا را یاد دارند. در سال‌های قبل‌تر از آن داشته‌اند. ما هم با الفبا شروع کردیم و خیلی مکث نمی‌کردیم.

باز هم می‌گویم که مثلاً کتاب صادِ ما که درواقع کتاب سوم است که قبل از آن با شاهنامه و منطق الطیر کار کرده‌اند این شروع مثنوی است برای هر بیت آن با قصه‌ای انجام داده‌ایم که گفتگو با شخصیتی از شاهنامه و شخصیتی از منطق الطیر است که رستم چیزی از خودش از شاهنامه می‌گوید و یا ... . یا مثلاً طوطی بازار؛ یا مثلاً بعدی‌های آن‌هم هست؛ مثل سهراب و بلبل و ... چون شخصیت‌های آن با هم شباهت دارد از جهت فضای قصه. ما شروع مثنوی را با این قصه جلو رفتیم (البته قبل از اینکه وارد قصه‌ها شویم) بعد، تازه قصه‌ها شروع می‌شود. نگاه ما این بود که این‌ها را کنار هم بچه‌ها ببینند که مثلاً همان سهراب را با بلبل از جهت باطن شخصیتی ببینند که مثلاً چالشی که سهراب در آنجا دارد در همان چالشی که بلبل از جهت دینی و فکری و ... دارد. بدین شکل، اتفاق کوزه‌ای می‌افتد.

نکته دیگری نیز هست که ما از کوزه استفاده می‌کنیم این است که: آب در کوزه و ما تشنه‌لبان می‌گردیم. این هم باز نکته‌ای دارد که هم غیر مذهبی‌ها و هم انقلابی‌ها و مسجدمحورها گرفتارش هستیم و باید خودمان با خودمان به هرحال روراست باشیم. به هرحال امواجی که از جهت علمی و تربیتی می‌آید مثلاً هر چند سالی موجی می‌آید که الآن دارد موج آن تمام می‌شود و موج فنلاند که الآن موجش دارد تمام می‌شود که چند سالی مردم درگیرش هستند و چند سال قبل، یک بحث دیگری بود.

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم؛ الآن فرار نمی‌کنیم و دو آیه در ارتباط با این است که «لا یغرنّک تقلّب الذین کفروا فی البلاد»؛ و اینکه: «قل لا یستوی الخبیث والطیّبُ ولو أعجَبَک کَثْرَةُ الخَبیثِ» یعنی با این کثرتی که در فضای علمی ما که این همه مقاله، مجله، ژورنال و ... وجود دارد کثرت است؛ ولی به‌هرحال کثرت خبیث است؛ یعنی وارد دانشگاه می‌شویم و لیسانس و فوق لیسانس و حالا حوزه هم که بعضی از جاهایش هم بدتر از دانشگاه شده و این «وَلَوْ أعْجَبَک» همین طور مخمور کثرت این چرندیات می‌شویم و تا بخواهیم از این باتلاق درآییم (که چقدر مشکل است) ولی این اتفاق واقع شده است همانطور که در اطراف خود که می‌نگریم این هست؛ و آنکه زرق و برق و احاطه‌ای که هست ما درگیر آن هستیم. ما سعی کردیم به هیچ وجه گرفتار آن نشویم و این آبی که می‌خوریم آب همان کوزه خودمان باشد؛ و هی تشنه لب این طرف و آنطرف نگردیم که این را دیده‌ای و آن را هم دیده‌ای؟ گوشمان از این حرف‌ها پر است و حتی دیگر سراغ این حرف‌ها نمی‌رویم. این یک نکته بود.

نکته سوم که باید بگویم «کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خورد» این یک مثالی بود برای وقتی استفاده می‌کنیم که وقتی کسی در کاری هست ولی تعجب می‌کنیم که مثل کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خورد و تعجب می‌کنیم که چرا تو که کوزه‌گری کوزه‌ات شکسته است یا کسی که فرش‌باف است خانه‌اش که می‌روی می‌بینی که فرش خیلی معمولی و یا پاره انداخته است. ما در چه موقع این ضرب‌المثل را استفاده می‌کنیم؟ وقتی که فکر می‌کنیم که کسی در جوّ چیزی است ولی می‌بینیم که اصلاً در جوّی که فکر می‌کردیم نیست و در فضای دیگر است (به طور کامل). این از جهت تربیتی و فکری بود که منظورم این است که معلم به عنوان بزرگتر، اگر معلم ریاضی است این نیست که همه عمر، فکر و ذکرش ریاضی یا قرآن بوده است؛ یعنی ما از جهت فکری و شخصیتی یک فضایی وسیع‌تر و عمیق‌تری به عنوان انسان می‌خواهیم که بچه‌ها باید ما را در آن ببینند. حالا من نمی‌دانم این حرف من تا چه اندازه برای شما واضح است؛ یعنی مثلاً بچه‌ای که مدرسه می‌رود گاهی معلم آمده که فقط ریاضی را به تو یاد بدهم و تمام شد و یا یک وقت دیگر این است که معلم فقط کله‌اش بوی قرمه‌سبزی می‌دهد و مثلاً در فضایی هست که در آن سیر می‌کند و چه بخواهد و نخواهد مجذوب فضای معلم می‌شود. این هم به نظرم چالشی است که در آن گرفتار شده‌ایم. مثلاً من معلم قرآن شده‌ام و این معلم قرآن بودن آنقدر پررنگ می‌شود که شخص، از سایر چیزها غافل می‌شود. این هم یک نکته که آیاتی که «ثُمَّ ذَرْهُمْ فی خَوْضِهِم یلعبون» یا «فذرهم» این هم باز همان نگاه آنطوری است که «ذرهُم» یعنی آن‌ها را رها کن و به کار دیگری برس.

نکته بعدی که بگذار تمامش کنم؛ یکی آن فوت کوزه‌گری است و قضیه آن را شنیده‌اید که چیست. اینکه می‌گوید «انّی اعلم ما لا تعلمون» آن بخش «ما لا تعلمون» یعنی آنچه ما هنوز نمی‌دانیم و به ما نرسیده است آن‌ها به نظرم فرصتی است که نباید از دست بدهیم.

این آقای محمدحسین کتابی را در باب هندسه نوشته است که از کتاب اقلیدس چیزی را گرفته است و خودم که نزدیک چهل سالم است و هیچ چیزی از این‌ها سردرنمی‌آورم کیف کردم که دیدم. یا خیلی از بحث‌هایی که در رشته‌های دیگر است. هرروز دنبال این هستیم که فضای جدیدی باز شود و ما در آن فضا کار کنیم و بچه‌ها به تبع در آن بیایند؛ یعنی تا این مسئله نباشد هیچ اتفاقی نمی‌افتد و به دردی نمی‌خورد؛ یعنی پا به سن گذاشتیم و دم و دستگاهی مال خودمان درست کرده‌ایم که به آن برسیم.

صبح آنچه می‌گفتیم آقای نیکزاد و دفتر پژوهش می‌گفتند؛ مستقر شدند در فضایی و از آنجا نمی‌خواهند بکنند و جدا شوند. مثل یک عقیم مرده‌ای که به دردی نمی‌خورد؛ یعنی آنچه که ما نمی‌دانیم خیلی به دردمان می‌خورد تا چیزهایی که می‌دانیم؛ یعنی ما دنبال آن نباشیم که آن چیزهایی که می‌دانیم را به بچه‌ها یاد بدهیم. اتفاقاً بچه‌ها را باید سوق دهیم به سمت آنچه نمی‌دانیم؛ یعنی این همه عمرمان تلف شده و هیچ نمی‌دانیم. گاهی در مورد بچه‌ها می‌گوییم که عمر بچه‌ها را تلف نکنیم؛ یعنی آنچه را که نمی‌دانم خیلی بیشتر از آنچه که می‌دانم. برو دنبال آنچه که نمی‌دانم. فرض کنید که ایشان که دارند این کارها را می‌کنند واقعاً درهای جدید و جالبی است که باز می‌شود.

سؤال: نسبت به آن مطلبی که الآن فرمودید که ما به آنچه که داریم اکتفا می‌کنیم و آن چیزهایی که نداریم، توضیح می‌فرمایید؟

جواب: در حوزه تمدنی ایران و اسلام عرض کردم که از خیلی از چیزها بی‌خبریم. الآن عمرم را در این گام دوم بگذارم، اگر بخواهیم گام دوم محقق شود نمی‌شود که برویم ببینیم که فلانی‌های چکار کرده‌اند که گام دوم را انجام دهیم. الآن این کار را کرده‌ایم. هی عقبتر رفته‌ایم در جاهایی که به لطف شهدا و دین و ایمان اتفاق‌های خوبی افتاده است؛ اما بالأخره اتفاق‌های خیلی بهتری هم می‌توانست بیفتد. اینکه می‌گوید من یک نی هستم فقط، درواقع ما فقط یک نی هستیم. اصلاً در زمانه ما نباید یک نفر بیاید بگوید که من معلم ادبیات هستم. لذا کسی مثل سعدی را داری چرا می‌گویی معلم هستم؟ یعنی فوق فوقش اگر خیلی موفق باشم یعنی بچه را پای درس سعدی بنشانم و این سعدی را ببینند و حس کنند و بچشد؛ نه اینکه بپرسیم که چرا سعدی و حافظ نداریم. برای اینکه سعدی است که می‌تواند سعدی تربیت کند. الآن سعدی را بیرون کرده‌ای و یک کلمه هم نمی‌تواند از او بیرون بیاید. بعد می‌گوییم چرا سعدی نداریم. من که سعدی نمی‌توانم تربیت کنم. سعدی است که می‌تواند سعدی تربیت کند؛ و اگر سعدی را در قلب بچه و ذهن او بیاوری می‌شود سعدی.

مسئله این است که ما همه این‌ها را داریم و ما چیزی اصلاً کم نداریم؛ و ممکن است که چالش هم باشد. مثلاً یکی از بحث‌هایی که در تاریخ و تاریخ فلسفه داریم این است که می‌گوید زمان صفوی فیلسوفی مثل ملاصدرا مورد مثال قرار می‌گیرد که خیلی به طبیعیات نپرداخته (برعکس قبل او). از آن‌سو مثلاً اروپا شروع کرد و به طبیعیات پرداخت و این را به عنوان نقطه‌ضعف می‌گویند که باعث شد ما نپرداختیم و

عقب ماندیم و آن‌ها پیش رفتند؛ لیکن عرض بنده این است که آن‌ها که پرداختند؛ برای اینکه ما تقریباً در مسائل اداره مادی، در زمان صفویه ۵۰۰ سال پیش، تقریباً نقصی نمانده بود که به آن بپردازیم. مثلاً معماری‌مان در هر اقلیم و جایی از هر جهتی تقریباً کامل بود و این‌طور نبود که مثلاً در تفرش تحولی در معماری ایجاد کنیم. یا کشاورزی و نساجی‌مان هم همین‌طور؛ کاملاً بی‌نقص بود. وقتی مسئله نیست برای چه باید روی سایر چیزها توقف کنیم. این‌هاست که مسئله شده است و دیگر لباس‌دوختن و بافتن، مسئله بشر نیست و خیلی وقت است که حل شده است؛ یعنی ما چه‌کار کردیم؟ ما همه آن‌ها را دور ریختیم و ما می‌گوییم نداریم.

سؤال: خب؛ ادبیات که ناگزیریم ولی اصلاً ورود به زبان انگلیسی چرا؟ شما که می‌فرمایید مبانی استاد امام فرق می‌کند؛ امام خودش در چهل حدیث می‌فرماید (در شرح حدیث علم) که غیر از سه علم اساسی، آدم عاقل به آن‌ها نمی‌پردازد. پس آیا بهتر نیست که ابتدا شاکله‌ای نوشته شود که ما این سه علم را علم حقیقی می‌دانیم و بقیه، ابزاری‌اند. مثلاً این‌ها مال نشئه دنیا هستند به اندازه ضرورت؛ و متربی باید بداند که جایگاه این علم چیست و این مسئله که سعدی، می‌تواند سعدی تربیت کند، ما اتفاقاً معتقدیم که غالباً استاد افراد شاخص، در حد خودشان نبودند؛ چون اگر بودند شناخته می‌شدند و این یک مطلبی که آدمی می‌تواند بستری فراهم کند که الآن شاگردان ما بهتر از ما بشوند و اینکه رشدی بوده که ساختار ما خراب شده است. ظاهراً دیده‌اید که محتوایی در جامعه موجود است و این محتواها را ایرانیزیشن و اسلامیزیشن کنیم؛ یعنی اولاً شاکله را نگفتیم که این علم تعریفش این است حالا این ضروری است و به این می‌پردازیم که علوم، ضروری و غیر ضروری است و حالا این نمودارش چه شد؟ این به نظرم لازم است.

جواب: باز هم خلاصه عرض کنم که آن روایت معروف است که «أنا مدینة العلم و علی بابها» حالا ما تصورمان از علم، اگر با تمثیلی که در روایت است که علم، شهری است این مسئله اصلی است و حالا اگر بخواهیم ببینیم و فرض کنیم که شهری هست و بچه‌ها می‌خواهند وارد شهر شوند. چگونه می‌خواهند وارد این شهر شوند؟ حالا این شهر، ممکن است محله‌های مختلف داشته باشد و بعضی از محله‌هایش بزرگتر و برخی کوچکتر است.

آقای حکمت‌صباح، دقیقاً همین مثال را می‌زنند. منظورم این است که دید ما به زبان، دید متفاوتی است با آنچه در جامعه رایج است. آنچه ما را وارد فضا می‌کند همان بحث زبان است. غیر از این هیچ چیز دیگری نیست. اگر کسی در فضای زبان حل نشود هیچ اتفاقی برای او نمی‌افتد. حالا این مثال‌های تاریخی است که می‌خواهم حضورتان عرض کنم. زبان ریشه است. برای اینکه ریشه را بخواهیم درست کنیم باید سراغ زبان برویم. الآن مثلاً این کتاب طبیعیاتی که اینجا هست متنش اصلاً ساده نیست؛ تقریباً هر ایرانی که این را به او بدهید با یک کتاب چینی به او بدهید خیلی تفاوتی ندارد؛ یعنی هیچ چیزی سردرنمی‌آورد؛ حتی اهل علم ما علی الخصوص اهل علم دانشگاهی ما حتی حوزوی‌های‌مان؛ یعنی او آدمی است در شهر علم ما که علم ایرانی اسلامی است.

خب؛ شما وقتی زبان را گرفتی، درواقع راه ورود به آن شهر را کلاً بستی. مثل این آدم‌های هم‌سن ما که همه هستند. شخص، استاد دانشگاه است ولی واقعاً مثل یک بچه کلاس اولی می‌ترسد و مضطرب می‌شود درصورتی‌که او را وارد این فضا بکنی. این را می‌گویم چون عملاً دیده‌ام. خب؛ چطور این اصلاح می‌شود؛ یعنی اینکه بچه‌ها در مسیر علمی متفاوتی قدم بردارند غیر از آنچه که از غرب به ما رسیده است. این در کجا اتفاق می‌افتد؟ آن زبان قرآن است؛ یعنی این همه علومی که داریم، درواقع، مثال تفرش آن است که مثلاً اینجا سرسبز است ولی روی زمین را که نگاه کنید یک قطره آب نمی‌بینید و نه جویی و چشمه‌ای. (از بیرون که نگاه کنی) همه آب‌ها آب قنات است که در جاهایی از زمین بیرون کشیده می‌شود و آبیاری می‌شود. آن زبان باطنی است که همین شهر علم، از آنجا دارند سیراب می‌شوند. مثلاً فارابی در فلسفه و ... متکی به زبان قرآن‌اند. این مقدمه دوم بود.

سؤال: این که فرمودید از آخر به اول است. الآن شما فرمودید یک روایت. بنده که طلبه هستم به یک روایت آنقدر نمی‌توانم استناد کنم؛ یعنی الآن حدیثی که می‌گوید إنما العلم ثلاثة. وقتی امام در چهل حدیث می‌آورد و تفسیر می‌کند قطعی می‌شود و اینجا می‌آییم و می‌گوییم اعتقادات و اخلاقیات و احکام. این‌ها را اصل قرار می‌دهیم...

جواب: من این عرضی که خدمتتان می‌گویم نمی‌دانم تا چه حدی روشن است. یک تصویر کلی از این صحنه‌ای که با آن روبرو هستیم دارم عرض می‌کنم. ما یک صحنه علمی که در آن قرار گرفتیم و این درس و ... را که می‌گوییم همه مقدمات است و ما داریم قله را در موردش حرف می‌زنیم. برای رسیدن به آن قله فضای علمی تمدنی جدی می‌خواهیم؛ یعنی همان تمدنی علمی که حرفش را می‌زنیم بدون علم که ساخته نمی‌شود.

سؤال: من یک جمله بگویم: شما که می‌فرمایید اولویت ما در ضروریات است من از آنجا وارد این بحث شدم. بعداً مفصل ان‌شاءالله در این زمینه بحث خواهیم کرد.

جواب: نه؛ همین ادامه حرفم است و حرفی غیر از این نداریم. ما با یک جبهه علمی از آن طرف روبرو هستیم و یک جبهه علمی خودمان است که در طی سال‌های طولانی به استضعاف کشیده شده‌اند و به حاشیه رفته‌اند. حالا من به عنوان یک آدمی که می‌خواهم بچه تربیت کنم می‌خواهم طوری بچه تربیت کنم که تو بروی و میراث علمی که مهجور شده را زنده کنی و بیرون بیاوری. اولین چیزی که باید به تو بدهم این است که با زبان قرآن آشنا شوی. زبان قرآن چیز باطنی است نه فقط الفاظ قرآن. اگر این را به تو بدهم وارد این فضا می‌شوی. اگر تو را به این شهر بفرستم اگر ریشه‌ها محکم شده باشد تو دیگر می‌توانی خود را پیدا کنی و دقیقاً جایی که دردی هست را می‌توانی پیدایش کنی.

الآن علوم متروک شده‌اند و مثل شهری که اتاق‌های مختلفش همه خالی است و کسی در آن زندگی نمی‌کند (در علوم مختلف).

مثال واضح دیگری که هست طب ماست؛ که حتی همین طب سنتی که الآن رایج شده است، مایه علمی در آن خیلی کم است؛ حالا در زبان همین قرآن که اگر بخواهیم به بچه بدهیم که راهش را طی کند اول از همه عربی است و به همین دلیل است که اسم آن کتاب عربی را «منطق الجذور» گذاشته‌ایم. این منطقی است که ما را با ریشه‌ها متصل کند و نگاهمان به عربی هم همین است. لذا امسال و سال آینده برنامه‌مان این است که در عربی پخته باشند. هم عربی که بخواهند با آن حرف بزنند و هم عربی که متن عادی بخوانند. در حد یک آدم ۱۰ ساله که بتواند مستقل سراغ متن برود یا حتی مکالمه. این را در موردش می‌شود بحث کرد که مثلاً بچه ده ساله‌ای که عربی بداند از جهت فکری و اجتماعی می‌تواند فضای متفاوتی را تجربه کند. بحث چالش‌های فضای اجتماعی را داریم که خودش نکته‌ای دارد. حالا نکته‌ای که جا دارد اینجا است که هیچ کسی نمی‌تواند در ادبیات فارسی قوی شود مگر اینکه در عربی قوی بوده باشد. اصلش همان مسئله زبان قرآن است. آن

کسی در فارسی قوی است و می‌تواند قوی کار کند که در عربی قوی باشد. درواقع عربی که کار می‌کنیم هم فارسی را با بچه، قوی کار می‌کنیم و هم فرمول دیگری که اکثراً متون‌شان به زبان عربی است؛ و حتی متون فارسی که (مثلاً آقای جرجانی نوشته است) همه عربی است و فقط حرف ربط است که عربی کار شده است. همه اصطلاحات علوم ما عربی است. این یک مایه قوی علمی است که به شما می‌دهم که به تبعش فارسی که بتوانید در آن شهر علم حرکت کنی و کار کنی ولی ریشه‌ای؛ نه کاری که پخش و پراکنده شوی. انگلیسی هم باز که عرض کردم؛ زبان مقاومت است. حالا باز هم دید دیگری که شاید آقایان نسبت به انگلیسی ندارند مثلاً از دوستان مسلمانی که در جاهای دیگری مثل آمریکا و کانادا هستند و دارند کار می‌کنند، الآن فکر می‌کنید دیدشان نسبت به انگلیسی چیست؟ آدم‌های مختلفی که ما می‌شناسیم مثل روزنامه‌ها و نگاره‌های سیاسی که برای خودشان تعریف کرده‌اند پروژه‌شان چیست؟ دغدغه‌شان چیست؟ دغدغه اصلی‌شان این است که بیاورند و مثل زبان فارسی که در طول چندین قرن، اینقدر با اسلام و مفاهیم اسلامی آمیخته شده است این بحث‌های عرفانی را بدون فارسی و ادبیات فارسی نمی‌توانید تبیین کنید. برنامه‌شان این است که همین کار را با انگلیسی بکنند. مثلاً برخی مسلمانان انگلیسی‌زبان‌اند. اینطور دیدی به انگلیسی زده‌اند و افق چند قرنی در ذهنشان است که مثلاً اولین دائرة المعارف قرآن را به انگلیسی دارم می‌نویسم و یا اولین دائرة المعارف را به انگلیسی می‌نویسم. نه اینکه ترجمه آن را به زبان دیگری نوشته باشم. می‌گوید اصلاً می‌خواهم انگلیسی زبان اسلام شود؛ همانطور که زبان فارسی، زبان اسلام شده است. این یعنی باز هم انگلیسی که می‌فرمایید اگر آن نگاه تمدنی که حضرت آقا می‌فرماید و این نگاه علمی به معنای «علیهم السلطان» که آقا می‌فرمایند بینه‌ای است که درواقع روشن می‌کند و سلطان است و چیزی است که به عقل ما رسیده است.

سؤال: الآن حضرت آقا با زبان انگلیسی خیلی موافق نیستند.

جواب: نه؛ ما هم نیستیم. ما با عربی کار می‌کنیم. ما با انگلیسی هم سال‌های قبل‌تر کار می‌کردیم در برابر آن نگاه به انگلیسی.
درواقع زبان قرآن، آن چیزی است که باعث شکوفایی می‌شود مثل آن آب قنات. هیچ شکوفایی نیست. مگر اینکه قرآن در آن هست. اهل‌بیت و عترت هم همان است.

اگر کتاب‌های فعلی زبان انگلیسی دانش‌آموزان عادی را نگاه کنید، در صفحه اولش که تصویر از امام هست، توصیه از خود حضرت امام برای فراگیری زبان انگلیسی را در آن قرار داده است. اگر ما از دیدگاه دیگر این‌گونه نگاه کنم که زبان انگلیسی دانستنش برای این است که زبان، آن مفاهیم انقلاب و مفاهیم ارزشی و قرآنی را بتوانیم انتقال دهیم اگر این را هم نداشته باشیم طبیعتاً جمع کثیری از مردم دنیا را هم بی‌اطلاع می‌گذاریم در این قضیه، حذف کاملش را یعنی خود من واقعاً نشنیده‌ام...

رهبری نمی‌گویند که زبان را کلاً حذف کنید؛ بلکه می‌فرماید که چرا مثل زبان اسپانیایی که مقدم است و نزدیک به هشتصد میلیون مخاطب را مثلاً مورد توجه قرار نمی‌دهیم. من نمی‌گویم که چرا اسپانیایی را ترویج نمی‌کنید بلکه می‌گویم انگلیسی که خودشان را به کشورهای دیگر توسعه داده‌اند...

سؤال: ما نمی‌گوییم اول است؛ بلکه برای نفوذ فرهنگ اسلامی در حال حاضر که گسترش این زبان را در جوامع دیگر می‌گوید؛ یکبار حرفمان ایده است و...

جواب: بله؛ ما یک هدیه یادگاری از تفرش می‌خواهیم به شما بدهیم کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مطهری ایشان رشته‌های مختلف را که طبقه‌بندی کردند که طبقه اول که از کِندی شروع کردند که فکر کردیم همین‌طور خاطره‌ای باشد؛ هر کسی افراد آن طبقه است و همین‌طور شماره آن طبقه.

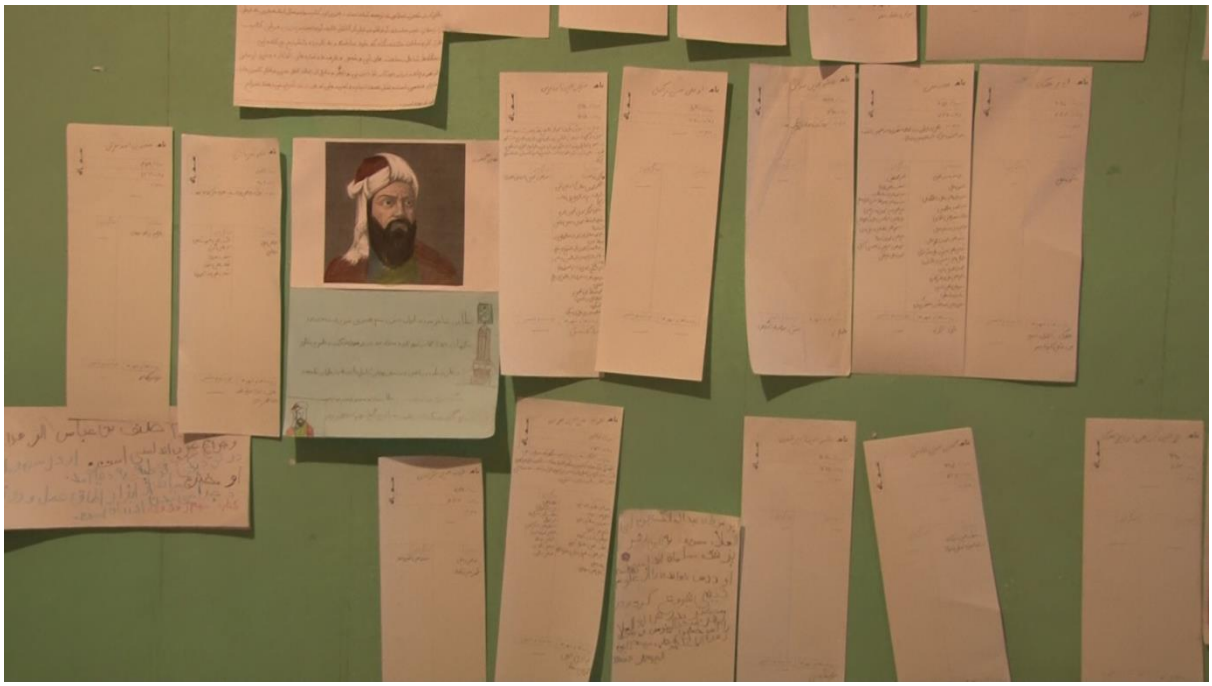

این دیواری که اینجا درست کرده‌ایم از اول بعثت می‌آید و چهل‌سال چهل‌سال می‌آید تا به زمان خودمان رسیده است. این مقدمه ساخت کتابخانه است و آقا محمد دارند کمک می‌کنند؛ و منابع را داریم جمع می‌کنیم ولی بجای آنکه طبق روال عادی جمع شود با این روال استاد و شاگردی جمع شود. این درواقع غفلتی است که معمولاً همه آدم‌ها با آن برمی‌خورند درواقع سلسله علمی را نمی‌بینند؛ که استاد و شاگرد بدون انقطاع این‌ها به زمان ما رسیدند. این‌ها ان‌شاءالله کامل شود و سلسله استاد و شاگردی را بچه‌ها ببینند و تکتک در مورد آن کار می‌کنند و می‌بینند. مخصوصاً این‌ها آدم‌های منفردی نیستند که حالت دائرة المعارفی دارند که ما معمولاً دانشمندان را می‌شناسیم. این هم یک نکته بود.

حالا درس‌های ما هم که همین است. بچه‌ها ساعت ۹ صبح می‌آیند. اول تقریباً نصف حزب قرآن را می‌خوانیم و کاری که الآن جدی‌تر شده است بچه‌ها با ریشه‌های کلمات (الآن با بچه‌ها بازی می‌کنیم و بچه‌ها راه افتاده‌اند) و ریشه کلمات سه حرفی را می‌شناسند و با ریشه‌های کلمات در قرآن و کلمات هم‌ریشه را می‌یابند و ارتباط ریشه‌ها باهم را از لحاظ معنایی پیدا می‌کنند. بعد که تمام می‌شود با آن‌ها عربی کار می‌کنیم. ایشان آخر هفته‌ها می‌آیند و در طول هفته‌ها دروسی که می‌آیند را باهم تمرین می‌کنند؛ یعنی بچه‌ها در خانه تمرین کرده‌اند و در اینجا چیزی اضافه می‌شود؛ درواقع ساعت تمرین است (در غیاب استاد عربی). با دختران، خانم میرشریفی و با پسران، خود من کار می‌کنم. اول گلستان و سپس عربی را کار می‌کنیم. یک سرمشق می‌نویسند و سرمشق را با خط نسخ کار می‌کنند و اشکالاتشان را می‌گیریم و سپس کتابچه گلستان را که هم می‌نویسند و هم نقاشی می‌کنند و هم قصه‌هایشان را تعریف می‌کنند. مثلاً هر حکایت گلستان در این کتابچه در قالب پنج صفحه آمده است. بچه‌ها هم فضا دارند برای نقاشی و هم حالت سرمشق و خطشان را تمرین می‌کنند و مرتباً با آن‌ها کلنجار

می‌رویم درباره داستان‌های گلستان که به‌صورت قصه‌ای دائماً در کلنجار هستیم. بعد، دیگر درس‌های بعدی‌مان شروع می‌شود از ۱۱ تا ۱۳. البته قرار است که برنامه‌مان انعطاف بیشتری داشته باشد که چکار می‌خواهند بکنند و چه درس‌هایی می‌خواهند داشته باشند. سپس، درس‌های دیگرمان‌هم که سوره طه را در موردش بحث می‌کنند (در مورد داستان حضرت موسی) روخوانی‌شان را هم که کارکردند و بخش دیگر که آقای پرویزی با قصه‌های قرآن، آیه‌های کوتاه قصه‌ای را با دانش‌آموزان کار می‌کنند.

این کتابچه‌ها بازهم همه قصه است. هر یک آیه‌ای را دربردارد که داستان قرآنی را در ضمن خود می‌گنجاند. هر صفحه‌اش یک آیه‌ای است که قصه‌ای دارد در قرآن. بچه‌ها آیه‌ای را می‌نویسند و هم نقاشی می‌کنند به حالت انس با قرآن.

سؤال: می‌شود چند نمونه آن را بگویید؟

جواب: «وَ سَخَّرنا مَعَ داوود الجِبالَ» یا «یا بُنَیَّ ارکَب مَعَنا» یا «وَ أَنْزَلْنا علیکم المنَّ و السَّلوی» یا «فلا تُوَلُّوهُمُ الأَدْبار» به‌ناچار مجبور می‌شوند همه داستان را برای هم تعریف کنند. این اتفاق می‌افتد. درواقع دو ساعت صبح هرروز بچه‌ها با سه چیز است: قرآن، گلستان و عربی؛ به‌علاوه سرمشق که در همه دروسشان هم هست. آن دروس بعدی هم که یکی قرآن بود و دیگری طبیعیاتی که دارند با آقای دوستدار کار می‌کنند و مبانی که شروع کرده بودند به اضافه حالت تجربی هم داشت و قرار هم هست که از جهت گیاهی داشته باشد که گیاهان را بشناسند مثل درس گیاهان دارویی که این کار را انجام می‌دهند. خانمی هم هستند که گلخانه دارند و تخصص گیاهان دارویی دارند و بچه‌ها از طریق ایشان، گیاهان را می‌شناسند و می‌کارند و اینکه ریشه و بذرش چگونه است و به‌گونه‌ای مکمل دیگری هستند. متون آن‌هم متون سختی است. اگر به بچه‌ها چنین متون سختی ندهیم بعداً این فرصت ازدست‌رفته است. الآن است که متونی مثل گلستان را بخوانند در این سن و سال؛ و بعدها دیگر به‌هیچ‌وجه رام نمی‌شوند و زیر بار نمی‌روند. این بر اساس همان اصل آقای شاه‌آبادی است که اصلاً بدون انس، یادگیری اتفاق نمی‌افتد و وقتی انس هست، چه بخواهی و چه نخواهی یادگیری اتفاق می‌افتد؛ یعنی اگر انس را خلع کنیم، یادگیری صفر می‌شود. پس انس را از همین الآن باید پیدا کنند. درس دیگری هم‌درس خلقت است که بیشتر، حالت تجربی است که آزمایش انجام می‌دهند و مثلاً دوره طولانی با آب کارکردند و پدیده‌های مختلف مربوط به آب و سایر چیزهایی که هست. زبان مقاومت، همان انگلیسی شده است که چند وقت، مرتب کارکرده‌اند که به‌عنوان‌مثال، کاری که می‌کنیم کتاب ساختن بچه‌هاست. درواقع کتاب می‌سازند و باهم کتاب می‌سازیم؛ و کاری که می‌کنند از درونش کتاب درمی‌آید؛ که این را نقاشی‌اش را کشیده‌اند و ما معمولاً در قطع (سایز کتاب) مربع کار می‌کنیم و کاغذها آماده است و بچه‌ها با این قطع عادت کرده‌اند که این‌ها اول این خطها را نوشته‌اند و برحسب این قصه، این نقاشی‌ها را کشیده‌اند و یکخرده رنگ‌آمیزی آن را دستکاری کرده‌ایم. این مثلاً کتابی شده است؛ و انگلیسی آن‌هم کتاب دیگری شده است.

سؤال: یعنی از ظاهر، باطن، جلد، خط، خوشنویسی و متن، همه کار این‌هاست؟

جواب: بله؛ همه کار خودمان است. مثلاً انگلیسی دارد در همین فضا کار می‌شود. انگلیسی را که به عنوان مثال گفتم. این‌طور خیلی وقت‌ها باعث تأثیرگذاری در زندگی و دوستی بچه‌ها می‌شود. چون مدتی با طوطی و بقال کارکردند و آن قضیه بقالی، خریدوفروش را در قضایای کتاب آورده‌اند.

درس دیگرشان هم باهنر است که در این مدت روی پارچه متمرکز بوده است؛ چون خانم فروتن که با بچه‌ها کار می‌کنند خودشان بحث طراحی پارچه داشته‌اند و این را آموزش می‌دهند. مثلاً رنگ کردن روی پارچه، بافت پارچه، انواع پارچه؛ یعنی این هم درواقع یک نگاهی تمدنی به زندگی است؛ حتی کارگاهی هم تفننی نیست؛ اصلاً می‌خواهم بگویم ضعف تمدنی ما نساجی است و قوت تمدنی ما همین نساجی بود که این‌ها (شرق) از همین نقطه قوت ما استفاده کردند و خودشان را بالا کشیدند با این صنعت و ما از همین جهت، ضربه‌های مختلف می‌خوریم. از همین جهت، در تاریخ سیاسی دانه‌دانه این‌ها را باید آورد.

یکی دیگر درسمان درس سفال است که بچه‌ها کار می‌کنند که این پشت است و یکی دیگر که درواقع تفنن بوده است (این بحث نجاری). در حقیقت به‌صورت حرفه‌ای نساجی کارنکرده‌ایم و همین‌طور در کنار کار بوده است.

سؤال: انتخاب نساجی و پارچه‌ها چگونه بوده است؟

جواب: پارچه‌ها بله؛ عرض کردم که استاد دارد. سفال هم که این‌طور هست. حالا هم خواهر من کار می‌کردند و علاقه داشتند و هم بنده؛ و چیزهایی که از آن ساخته می‌شود از داخل آن، یکریزهایی مثل اداره خانه و بحث اداره خانه است. نجاری را خیلی چیزی در آن نداشته‌ایم.

سؤال: بعد، آن پنج موردی که گفتید یکی از آن وفا بود؛ بقیه‌اش چه شد؟

جواب: من وفا را گفتم که با پنج ضرب‌المثل کوزه‌ای می‌شود درستش کرد و نیمه‌کاره رها کردم.

سؤال: من حالا گفتم که شاید چیز دیگری غیر از وفا هم باشد.

جواب: وفا؛ شرحش آن بحث‌هایی است که از شذرات داریم استخراج می‌کنیم. آنجایی که مثال پارچه را می‌زنند که یک سری عمودی و یک سری افقی است. می‌گوید: این تارهای عمودی، فطرت و نبوت است که این‌ها از اتصال ما از غیب به خداست. می‌گوید این‌ها بافته نمی‌شود تا آن پود هم باشد که آن پود هم اخوت می‌شود. نگاهشان اصلاً این‌گونه است. شروع کتابشان هم این است که ما یکسری امراض مهلکی داریم که در کتاب، به روش درمان این امراض پرداخته می‌شود. ریشه این درمان در اخوت است. درواقع با فطرت، اخوت و نبوت، پارچه این جامعه بافته می‌شود. نقطه‌ضعف ما هم در آن اخوت است. اخوت را هم که می‌گویند چهارتا ناموس دارد که انس، عون، عزت و توکل را ذکر می‌کند که هر یک را شرح می‌دهند که این بحث‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

آشنایی با متاورس – بخش اول

متاورس پدیده‌ای است که از یکجهت جدید و از یکجهت قدیم در جهان سابقه دارد. سابقه‌دار به این معنا که ما عالم سه‌بعدی و چهاربعدی را تجربه کردیم و آن را می‌شناسیم و حتی نسل نوجوان نیز با آن ارتباط دارد. جهت جدید آن یعنی پدیده‌ای تازه است که تمام شکل جدید و اولیه خودش را به تمام ابعاد زندگی تعمیم می‌دهد؛ یعنی اینجا یک فضای باز به همه ابعاد زندگی تعمیم پیدا می‌کند.

برای آشنا شدن با این پدیده باید سوابق، لواحق و اطراف آن بررسی شود تا ببینیم چه ابعاد و اضلاعی دارد. به‌هرحال نباید یک پدیده بزرگ را که قرار است در آینده به گواه دانشمندان، همه زندگی ما را در بر بگیرد بصورت جزئی و از یک زاویه نگریست؛ مانند پدیده بلاکچین که یک صنعت بزرگ جدید است ولی اگر آن را فقط با رمز ارزها یا بیتکوین تعریف کنیم، فقط یک بخش کوچکی از این پدیده را معرفی نموده‌ایم و ذهن مخاطب را محدود و مخدوش کرده‌ایم. پس ابتدا باید ابعاد کلی را شناسایی کنیم و سپس، کاربردهای جزئی مورد بررسی قرار بگیرد.

در این مجال، چند مقوله کلی را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

•زیر ساخت‌های متاورس

متاورس سوار بر چه چیزی است؟ چه اتفاق‌های فناورانه‌ای افتاده که متاورس می‌تواند از کارهای معمول هنری و بازی‌های مرسوم، وارد بخش‌های مختلف زندگی شود؟

۱. هوش مصنوعی

هوش مصنوعی یک دریای با عظمتی است، جانشین و قائم‌مقام انسان است، آن هم نه یک فرد؛ بلکه جانشین عقل متراکم همه انسان‌ها که همه یافته‌ها را در هم می‌آمیزد و به اطلاعات جدید می‌رسد.

2. بلاکچین و رمز ارزها

3. گرافیک متراکم

4. و...

*همان‌طور که در حال حاضر اینترنت همه جای دنیا را در اختیار گرفته است، در آینده نیز کدنویس‌ها و برنامه‌نویس‌ها این کار را انجام خواهند داد. علاوه بر آن‌ها در حوزه گرافیک هم انبوهی از فرصت‌های شغلی را خواهیم داشت به‌ویژه برای کسانی که در حوزه زنده‌سازی و پویانمایی کار می‌کنند.

۵. زیرساخت‌های حوزه اینترنت مانند پهنای باند، فنّاوری‌های انتقال ذخیره‌سازی و تحلیل داده‌ها

این‌ها زیر ساخت‌هایی است که ایجاد و گسترش متاورس را امکان و سرعت بخشیده است و در آینده نیز بر آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت.

سه ویژگی خاص متاورس

۱) حس حضور

در حال حاضر در فضای اینترنت، به شکل دوطرفه می‌توان صحبت و ارتباط را برقرار کرد؛ اما واقعیت این است که حس حضور وجود ندارد ولی متاورس این سد را می‌شکند و احساس حضور چهره‌به‌چهره ایجاد می‌کند که برای مخاطبان آن بسیار جذابیت دارد.

*سرعت تعمیم‌پذیری و تکثیرپذیری و استقرار متاورس در دنیا بالاتر از بلاکچین و هوش مصنوعی خواهد بود، آنهم به علت‌های مختلف از جمله همین القا کردن حس حضور.

۲) درک محیط

یعنی متاورس با حالتی که برای انسان ایجاد می‌کند، همه حواس او را درگیر فضای خود می‌کند.

*واقعیت اتفاق افتاده خارجی: دانشگاهی در چین یکسوم کلاس‌های خود را در متاورس برگزار خواهد کرد.

۳) تعامل

خود این فضای تعاملی در متاورس، چند حالت مختلف دارد:

الف. یادگیری و شناخت به کمک همه حواس و قوای اساسی انسانی

در حال حاضر یادگیری بر اساس دیدن و شنیدن است اما در متاورس، همه حواس ما درگیر می‌شود. شما خاطرات کودکی خود را در محله پدری خود بعد از سال‌های سال به یاد دارید زیرا در آن جا حضور داشتید، متاورس نیز با همین روش، علوم را در ذهن شما نهادینه می‌کند. در متاورس ادراک و یادگیری محیطی شکل می‌گیرد، به همین دلیل است که می‌تواند آینده تعلیم و تربیت جهان را در دست بگیرد.

ب. چندبعدی سازی و محیط‌وارگی (عمق و افق خاصی به دید انسان می‌دهد)

در متاورس تا کیلومترها عمق افقی وجود دارد، برخلاف نمایشگرها که مثلاً عمق ۵۰ متری دارند. البته گفتنی است در متاورس، می‌شود به‌وسیله گجت‌ها حس‌هایی مانند سرما و گرما را تجربه کرد.

*آیا متاورس صرفاً یک اتفاق است یا پشت آن نظریه و فلسفه وجود دارد؟

متاورس بر اساس فلسفه و مطالعات نظری، فنّاوری را هدایت می‌کند و آن یکپارچه‌سازی فیزیک و دیجیتال است.

انسان به‌شدت اجتماعی است و جامعه‌پذیری او با حس حضور شکل می‌گیرد. با فیلم و صوت و اسلاید نمی‌شود همه حواس انسان را درگیر کرد و این در یک فضای محیط‌وارگی صورت می‌گیرد.

ج. تبدیل تعامل به تسلط، مدیریت و احاطه

متاورس تعامل انسان را به تسلط در محیط و افراد و مدیریت محیط و احاطه کامل تعدیل می‌کند.

در آن می‌شود در مورد اطراف تصمیم‌گیری می‌شود مثلاً درآن‌واحد، فروشگاه کنار خودمان احداث کنیم.

د. ترکیب هنرهای محیطی و نمایشی

فرق هنر محیطی و نمایشی در آن است که در هنر محیطی هنر ثابت است و انسان در حرکت است. نقاشی و دیوارنگاری ... ثابت و ایستاده است و انسان در حال حرکت می‌باشد.

در هنرهای نمایشی مانند سینمایی، انسان ثابت است و مثلاً اسلایدها در حرکت است.

در متاورس این دو را ترکیب می‌کند و در هم متداخل می‌شوند؛ یعنی هم انسان و هم هنر حرکت می‌کند.

در آینده‌ای نزدیک چه‌بسا معنای محیط تغییر خواهد کرد، چرا که در متاورس محیط، آن‌به‌آن و لحظه‌به‌لحظه در حال تغییر است و ما به محیط احاطه و تسلط داریم نه محیط بر ما.

خداوند می‌فرماید آسمان‌ها و زمین و هستی را در دست انسان قرار دادم و به‌نوعی همه وجود را.

متاورس از چه ابزارهایی استفاده می‌کند:

بخش کوچکی از آن‌ها را بیان می‌کنیم. این ابزارها به‌صورت زنجیره‌وار به هم مرتبط شده:

•آواتار: تصاویر نمادین اشخاص

هر شخصی در شبکه‌های اجتماعی نوشته و نمادی دارد که به او متصل است. یک آواتار معمولی داریم که به‌عنوان عکس پروفایل قرار می‌دهیم و یک آواتار علمی یا آواتار فضای مجازی داریم که یا به‌صورت هوش مصنوعی شکل می‌گیرد که کارهای مختلفی که فرد در فضای مجازی انجام می‌دهد با هم‌پیوند داده می‌شوند و آواتار او را می‌سازند یا به‌وسیله برخی از وبگاه‌هایی که آواتار فرد را می‌سازند.

زیر بنای آواتار در عالم متاورس همان است یعنی شناختنامه مشترک انسان در فضای مجازی اما صرفاً یک عکس نیست و یک فیزیک و هیکل اوست. در حال حاضر شرکت‌هایی در این حوزه کار می‌کنند که بتوانند استخوان‌بندی اسکلتی افراد را منطبق کنند، همچنین شرکت‌هایی در رنگ چشم، لب‌ها و حرکت گونه‌ها و... کار می‌کنند.

تصور می‌کنیم برای اینکه آواتارها جعلی نشوند به رمزهای یکتای بین‌المللی افراد پین می‌شوند تا احراز هویت شوند.

•هولوگرام: تمام‌نگاری اشیا؛ یعنی با تابش نور اشیا تمام نمایی می‌شوند که کمک می‌کند آواتار اشیا ساخته شود.

•پرزنس (شخصیت خیالی)

که در متاورس آرام‌آرام به واقعیت نزدیک می‌شوند و در نهایت تبدیل به یک شخصیت واقعی می‌شود.

•VR یا واقعیت مجازی

•AR بر اساس زنده‌سازی یک تصویر است و وی آر واقعیت مجازی است در واقع همین عینک‌هایی که وجود دارد که انسان را تصرف و با خود همراه می‌کند.

پیش‌بینی می‌کنیم در آینده متاورس‌درمانی نیز خواهیم داشت. مثلاً فردی که معده یا چشم او مشکل دارد به گونه‌ای بدن را تهییج و وادار به حرکت می‌کند، یا عاطفه او را درگیر می‌کند که باعث درمان فرد می‌شود.

• هورایزن (نظام مجازی‌سازی)

یک فیلم امریکایی به این معنا در امریکا ساخته شده است. برای فهم این کلیدواژه‌ها باید جستوجو و مطالعه صورت بگیرد.

• فرم فکتور

به معنی طراحی فیزیکی ابزارها و وسایل و گجت‌ها و... در بهترین حالت ممکن برای استفاده. فرم فکتور های متاورس دستورزی خواهد شد

یعنی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که به‌راحتی در دست قرار بگیرد و کار کند.

در آینده فرم فکتورهایی می‌آید که تمام منطق امروز را به هم می‌زند. الان در خانه شما یک نمایشگر روی دیوار نصب می‌کنید ولی در آینده روکش دیوار خانه‌ها از وسیله‌هایی ساخته می‌شود که به‌راحتی به اینترنت وصل خواهد شد؛ یعنی عملاً نمای داخلی و خارجی ابزارها و گجت‌ها دگرگون می‌شوند و فرم فکتور وسیله‌ها تغییر خواهد کرد.

- **SDK**

کیت‌های توسعه نرم‌افزار

همه نرم‌افزارهای بزرگ دنیا اپن‌سورس (Open Source) هستند یعنی همه رمزها، راهنماها، ابزارها کتابخانه‌ای (یک سبدی که انواع ماژول‌ها و فیچرها را داراست) در اختیار می‌گذارند تا بتوانید آن نرم‌افزار را توسعه بدهید.

در متاورس کیتی که می‌خواهید آن را توسعه بدهید کدنویسی نیست. برای اینکه مردم عادی، توسعه‌گر و تولیدکننده باشد و از سُرس و بِیس (Base) به موتور تبدیل کنند.

در حال حاضر دو موتور متاورس در دنیا کار می‌کنند که در آینده بیشتر خواهند شد. موتور یعنی به کدنویسی احتیاج ندارد و با فرمان کلیات آن چه را که احتیاج است می‌سازد.

متاورس ابزارهای میان‌بُر (Shortcut) در اختیار فرد، قرار می‌دهد که فرد می‌تواند با آن موتور هر چه را که نیاز هست بسازد که به‌مراتب از کدنویسی ساده‌تر و راحت‌تر است.

ظرفیت متاورس برای ما یک فرصت بی‌نظیر ایجاد می‌کند که بتوانیم آیین‌ها، مناسک و اجتماع سازی‌هایمان را در آن انجام بدهیم.

تا به الان اجرای آیین‌ها در فضای مجازی سخت بود و فقط امکان بازنمایی وجود داشت ولی در متاورس در بِیس فضای مجازی آیین اجرا می‌شود. اگر ما استفاده نکنیم جا می‌مانیم.

همین‌الآن دیگران در متاورس، کنسرت‌ها و میدان‌های عرفان کاذب را ساخته‌اند. باید فضای آن را در اختیار بگیریم.

چند نکته:

در فضای اینترنت دامنه خریداری می‌شود ولی در متاورس چون فضای سه‌بعدی وجود دارد باید محیط خریداری شود که اصطلاحاً به آن زمین می‌گویند.

کنترل قوانین متاورس در اختیار ما نیست؛ مانند اینستاگرام که برای ما محدودیت ایجاد می‌کند ولی بالأخره باید از آن استفاده کنیم تا حذف نشویم و تا آن جا که می‌توانیم باید در راستای اهداف خود از آن استفاده کنیم. ولی ما اول در مواجهه با این پدیده‌ها در ابتدا انکار می‌کنیم بعد منع و بعد تجویز موضعی و بعد از آن دنبال

راهکار برای آسیب‌ها درحالی‌که از اول باید حساب شده برای آن برنامه می‌ریختیم.

در حوزه متاورس نیروی انسانی متخصص داریم اما زیر ساخت‌های مناسب نداریم.

خرید‌وفروش در متاورس بر اساس رمز ارزها است.

مسائل شرعی در متاورس یک مسائل جدیدی است که علما و حوزه باید به آن ورود پیدا کنند.

متأسفانه برنامه آموزشی برای این فضا در کشور وجود ندارد. حوزه بلاکچین هم با اینکه چند سالی هست در کشور ورود پیدا کرده آموزشی برای آن وجود ندارد.